

۲  
رهنمودمسئولان باید با معترضان حرف بزنند  
سخنان رهبر انقلاب درباره اعتراضات اخیر۲  
ایرانافزایش اعتراضات و ناآرامی‌ها  
تأکید مقامات قضایی بر امنیت و نظم عمومی۶  
توسعهجراحی بزرگ ارزی  
بررسی مسیر اقتصاد ایران با حذف ارز ترجیحی

## تراژدی مرزبانی

درباره ستوان یکم رحیم مجیدی مهر  
مرزبانی که در برف و بوران یخ زد۷  
کوچه

سرمقاله

## مردم را دریابید

هشدار درباره تأخیر در پاسخ به مطالبات جامعه

سیدحسین مرعشی



دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در یادداشت‌ها و مصاحبه‌های پیشین با صراحت تأکید کرده بودم که نهادهای حاکمیتی باید مراقبت و توجه بیشتری نسبت به مردم داشته باشند. هشدارهای لازم داده شده بود که تداوم فشارهای اقتصادی و تنگنای معیشتی در نهایت می‌تواند، مردم را به انتخاب خیابان وادار کند. تا امروز اما به نظر می‌رسد، درک دقیقی از فشارهای فزاینده‌ای که بر زندگی مردم تحمیل شده در سطح تصمیم‌گیری کشور وجود ندارد و این ضعف متأسفانه کاملاً مشهود است. تداوم این وضعیت نیز می‌تواند به شکلی پیش برود که خیلی زود برای شنیدن مطالبات به‌حق مردم دیر شود. اکنون در مقطعی حساس قرار داریم؛ مقطعی که همه مسئولان و دست‌اندرکاران باید حفظ پایداری ایران و خنثی‌سازی توطئه‌ها و فتنه‌های دشمنان این سرزمین را در اولویت قرار دهند. برای تحقق این هدف نیز مردم اهمیت دارند؛ مردم محور اصلی ثبات و امنیت کشورند. امروز مسئولان جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری باید مردم را در آغوش بگیرند، از آنان دلجویی کنند، به دیدگاه‌ها و مطالبات‌شان احترام بگذارند و اعتراضات صنفی و حتی غیرصنفی ناشی از فشارهای اقتصادی را به رسمیت بشناسند؛ امری که متأسفانه نشانه‌های روشنی از آن در عمل دیده نمی‌شود. گرچه حضور اخیر رئیس‌جمهور در وزارت جهاد کشاورزی و حمایت از بخشی که مسئول تأمین غذای مردم است از یک منظر اقدامی شایسته و قابل دفاع است؛ چراکه وزاری که از حمایت لازم برخوردار نباشند طبیعتاً قادر به انجام مأموریت‌های سنگین خود نخواهند بود. با این حال باید توجه داشت که حتی اگر ده‌ها وزیر هم قربانی شوند به‌مراتب بهتر از آن است که اصل کشور و منافع ملی آسیب ببیند. واقعیت اجتماعی امروز آن است که بخش گسترده‌ای از مردم از شرایط موجود عصبانی‌اند و احساس رهاشدگی می‌کنند. مردمی که در جریان جنگ ۱۲ روزه و تجاوز اسرائیل به ایران، مردانه پشت مسئولان خود ایستادند، شایسته نبود که تنها چند ماه پس از آن با چنین فشارهای سنگین اقتصادی مواجه شوند. آیا هیچ‌کس در قبال این وضعیت مسئول نیست؟ هیچ مدیری نباید برکنار شود یا استعفا دهد؟ نباید صدای ملت در ساختار قدرت شنیده نشود؟ اگر همه‌چیز درست پیش رفته پس این شرایط نابسامان چگونه قابل توضیح است؟ اگر قرار است با جهان گفت‌وگو شود، این گفت‌وگو باید صریح و شفاف باشد. اگر قرار است مدیران شایسته بر سر کار بیایند، اصلاحات مدیریتی باید بدون تعارف انجام شود. اگر افراد ناتوان باید کنار گذاشته شوند، این اقدام نباید به تعویق یفتد. عنصر زمان در شرایط کنونی حیاتی است؛ چرا اهمیت آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد و همه تصمیمات با تاخیر اتخاذ می‌شوند؟ درحالی که تأخیر در تصمیم‌گیری، خود بخشی از بحران را بازتولید می‌کند. مدیران باید با تصمیمات قاطع و جدی به جنگ مشکلات بروند. به نظر می‌رسد، طرح سخنان غیرمنطقی و خلاف عرف بین‌الملل از سوی چهره‌هایی مانند ترامپ نیز بی‌ارتباط با درک آنان از نارضایتی عمومی در ایران نیست و مواضع او دقیقاً بر پایه تحلیل شرایط داخلی و شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. در چنین وضعیتی باید تمرکز اصلی بر ایران، پایداری آن، وحدت ملی، تمامیت ارضی و تقویت پیوند میان مردم و حاکمیت باشد. راحل‌ها نیز پیچیده نیستند. اول، هر مدیری در هر سطحی که ادامه حضورش به زیان کشور است باید بدون تعلل تغییر کند و اداره امور به مدیرانی سپرده شود که هم کارآمدند و هم از اعتماد عمومی برخوردارند. دوم، لازم است نسبت به اشتباهات گذشته، صادقانه از مردم عذرخواهی کنیم و اعتراضات صنفی و مطالبات برخاسته از فشارهای اقتصادی را به رسمیت بشناسیم. در عین حال باید به‌صراحت تأکید شود که اعتراضات نباید به خشونت کشیده شوند و هیچ‌کس حق ندارد، مطالبات مدنی را به مسیر درگیری مسلحانه سوق دهد. در صورت بروز اعتراض، این وظیفه نیروهای انتظامی است که با صوری، خویشتن‌داری و سعه‌صدر با معترضان برخورد کنند و اجازه ندهند، اعتراضات به خشونت و خون منتهی شود. امروز کشور بیش از هر زمان دیگری به همراهی ملت، وحدت اجتماعی و هم‌افزایی میان دولت و حاکمیت نیاز دارد تا بتوان از این شرایط دشوار عبور کرد. سیاست‌هایی که کشور را به این وضعیت اقتصادی رسانده‌اند باید اصلاح شوند تا مسیر حرکت ایران به‌سوی آرامش، پیشرفت و حل ریشه‌ای مشکلات هموار شود.

## ریایش مادورو

آمریکا طی یک حمله نظامی، رئیس‌جمهور ونزوئلا را ربود!



ابوالفضل خدایی



گروه بین‌الملل

بامداد شنبه، ۱۳ دی‌ماه، جهان درحالی که آغاز سال نو میلادی ۲۰۲۶ را جشن می‌گرفت، شاهد یکی از شگفت‌آورترین رخدادهای تاریخ معاصر آمریکای لاتین بود. «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز شنبه با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» مدعی شد: «ایالات متحده آمریکا با موفقیت حمله‌ای گسترده را علیه ونزوئلا و رهبر آن، رئیس‌جمهور نیکولاس مادورو انجام داده است». ترامپ در ادامه نوشت: «مادورو به همراه همسرش دستگیر و از کشور (ونزوئلا) خارج شده است». رئیس‌جمهور آمریکا همچنین اظهار کرد که این عملیات با همکاری «نهادهای مجری قانون ایالات متحده» انجام شده است. اشاره ترامپ به تجاوز نظامی آمریکا به خاک ونزوئلا در بامداد شنبه بود که طبق گزارش‌ها فوراً تیونا: پایگاه نظامی در کاراکاس، لا کارلوتا: پایگاه هوایی در کاراکاس، ال وولکان: تأسیسات مخابراتی و بندر لا گویرا: بندر اصلی ونزوئلا هدف حمله نظامی قرار گرفت. ترامپ همچنین در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز گفت: این عملیات قرار بود چهار روز زودتر انجام شود اما به دلیل نامناسب بودن شرایط جوی به تعویق افتاده بود. مادورو در زمان بازداشت در «یک حصار و دژ مستحکم» قرار داشت اما نیروهای آمریکایی برای مواجهه با چنین شرایطی کاملاً آماده بودند. ترامپ همچنین خبر داد که نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا به یک کشتی منتقل شده و قرار است به نیویورک انتقال داده‌شود. او گفت که آمریکا در حال تصمیم‌گیری برای رهبری آینده ونزوئلاست.

ادامه در صفحه ۳





## گزارش سیاسی

## افزایش اعتراضات و ناآرامی‌ها

دادستان‌ها و مقامات قضایی استان‌ها بر امنیت و نظم عمومی تأکید کردند

**گروه سیاسی:** در روزهای اخیر، تعدادی از استان‌های کشور شاهد ناآرامی‌ها و تجمعات غیرقانونی بوده‌اند که مقامات قضایی ضمن محکوم کردن اقدامات آشوبگران، اقدامات قانونی علیه آنها را تشدید کردند. در همین رابطه به نقل از خبرگزاری میزان، دادستان مرکز استان لرستان اعلام کرد که «بدون هیچ اغماضی با عناصر آشوبگر و کسانی که امنیت عمومی را خدشه‌دار کنند، برخورد می‌کنیم». وی تأکید کرد که خط قرمز دستگاه قضایی، امنیت شهروندان است و هیچ‌گونه کوتاهی در برخورد با تهدیدکنندگان نظم عمومی، پذیرفتنی نخواهد بود. این مقام قضایی خاطرنشان کرد که هرگونه تجمع غیرقانونی، حمله به نیروهای انتظامی و اقدامات خشونت‌آمیز تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

به گزارش همین خبرگزاری، در شهرستان‌های ازنای و دلفان لرستان، مأموران انتظامی تعدادی از عوامل اغتشاش را بازداشت کردند. این افراد در جریان تجمعات اخیر به سوی نیروهای حافظ امنیت حمله کرده و تلاش داشتند، نظم عمومی را مختل کنند. مقامات محلی با تأکید بر اهمیت آرامش و امنیت شهروندان اعلام کردند که اقدامات قانونی علیه آشوبگران ادامه خواهد داشت و پرونده‌های قضایی آنها تشکیل شده است. همچنین دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد در بیانیه‌ای رسمی تصریح کرده که «هرگونه اقدام علیه امنیت عمومی و حقوق شهروندان با برخورد قانونی مواجه خواهد شد». وی یادآور شد که جامعه نیازمند آرامش و رعایت قوانین است و هیچ‌گونه اقدامات تخریب‌گرانه و برهم زنده نظم عمومی قابل چشم‌پوشی نیست.

خبرگزاری میزان نوشت که در همدان نیز تجمعات اخیر موجب شد تا چندین پرونده قضایی علیه آشوبگران و مخلان نظم عمومی تشکیل شود. مقامات قضایی اعلام کردند که افراد دخیل در این تجمعات غیرقانونی تحت پیگرد قانونی قرار گرفته و روند رسیدگی به پرونده‌های آنان در جریان است. به گفته دادستان همدان، هدف اصلی از این اقدامات، بازگرداندن آرامش به شهروندان و جلوگیری از گسترش ناآرامی‌هاست. از سوی دیگر، گزارش‌های این خبرگزاری حاکی است که در جریان ناآرامی‌های اخیر، تعدادی از آشوبگران با حمله به نیروهای حافظ امنیت سعی در ایجاد اختلال داشتند. این حملات نشان‌دهنده قصد آشوبگران برای تهدید امنیت عمومی و به‌هم زدن نظم اجتماعی بوده است. بر اساس اطلاعات خبرگزاری میزان، نیروهای امنیتی با استفاده از اقدامات قانونی و مدنی، این تهدیدات را مهار کرده و از گسترش ناآرامی‌ها جلوگیری کردند.

رئیس کل دادگستری استان اصفهان نیز در سخنانی تأکید کرد که «با برهم‌زنندگان نظم و امنیت مردم طبق قانون و مقررات برخورد خواهد شد». وی افزود که هیچ کوتاهی در حفاظت از امنیت شهروندان، پذیرفتنی نیست و مقامات قضایی به‌طور کامل بر امنیت عمومی نظارت دارند. این مسئول قضایی تأکید کرد که امنیت و آرامش شهروندان اولویت اصلی دستگاه قضایی است و همه اقدامات قانونی برای حفظ آن به کار گرفته می‌شود. اقدامات قضایی انجام شده در استان‌های مختلف کشور نشان می‌دهد که هماهنگی بین دادستانی‌ها، نیروهای انتظامی و امنیتی برای مقابله با آشوبگران به‌صورت جدی دنبال می‌شود. تشکیل پرونده‌های قضایی، بازداشت افراد متخلف و برخورد با حمله‌کنندگان به نیروهای امنیتی، نمونه‌هایی از این اقدامات است که با هدف جلوگیری از گسترش خشونت و حفظ امنیت عمومی انجام شده‌اند.

به نقل از خبرگزاری میزان، این اقدامات همچنین پیام روشنی به افرادی که قصد دارند با اقدامات خشونت‌آمیز نظم جامعه را برهم بزنند، ارسال می‌کند. برخورد قانونی با آشوبگران نشان‌دهنده عزم جدی دستگاه قضایی برای حفاظت از حقوق شهروندان و حمایت از امنیت عمومی است. مقامات قضایی تأکید کرده‌اند که تنها اقدامات قانونی و مدنی در جامعه پذیرفته شده و هرگونه تجاوز به قانسون با برخورد قاطع مواجه خواهد شد. بنابراین مردم می‌توانند با آرامش در جامعه زندگی کنند و تنها اقدامات قانونی و مسالمت‌آمیز مورد حمایت خواهند بود.

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه اعتراض بازاری‌ها به کاهش ارزش پول ملی حرفی درستی است، افزودند:

# مسئولان باید با معترضان حرف بزنند



دیگر مسئولان ارشد درصدد علاج این مشکل هستند. البته در این مشکل هم دست دشمن در کار است و بی‌ثباتی و بالا رفتن بی‌حساب و کتاب قیمت ارز خارجی که باعث بلاتکلیفی کسبه می‌شود، طبیعی نیست و با تدابیر گوناگون باید جلوی آن گرفته شود که مسئولان در این زمینه مشغول تلاش هستند. اما آنچه غیرقابل قبول است، ایستادن عده‌ای تحریک‌شده یا مزور دشمن پشت بازاری‌ها و طرح شعارهای ضداسلام و ضدایران و جمهوری اسلامی است.

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه «اعتراض بجاست اما اعتراض غیر از اغتشاش است»، گفتند: مسئولان باید با معترض حرف بزنند اما حرف زدن با اغتشاشگر فایده‌ای ندارد بلکه باید او را سر جای خود نشاند. اینکه عده‌ای تحت عناوین و نام‌های گوناگون به قصد تخریب و ناامنی کشور، پشت سر بازاری‌های مؤمن و سالم و انقلابی قرار بگیرند و با سوء استفاده از اعتراض آنها، اغتشاش کنند مطلقاً قابل قبول نیست.

ایشان کار همیشگی دشمن را فرصت‌طلبی خواندند و با اشاره به در میدان بودن مسئولان گفتند: مهم، آمادگی مجموعه ملت و تقویت عواملی همچون ایمان، اخلاص و عمل است که سلیمانی را سلیمانی کرد. مهم بی‌تفاوت نبودن در برابر جنگ نرم و شایعه‌پردازی‌های دشمن و ایستادگی و سینه سپر کردن با قدرت کامل در برابر تحمیل طلبکارانه او به مسئولان، دولت و ملت است. رهبر انقلاب تأکید کردند: ما در برابر دشمن کوتاه نمی‌آئیم و با انکا به پروردگار و اطمینان به همراهی مردم، دشمن را به زانو درخواهیم آورد.

آیت‌الله خامنه‌ای در پایان با اشاره به تقارن سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی با ۱۳ رجب، سه ویژگی «ایمان»، «اخلاص» و «عمل» را شاخصه‌های اصلی آن شهید بزرگوار دانستند و او را انسانی جامع در زمان ما خواندند. ایشان همچنین با اشاره به نقش اثرگذار سردار سلیمانی در تحولات مهم منطقه و اهتمام او به تربیت نیروها افزودند که همین ویژگی‌ها سبب ماندگاری نام و قداست روزافزون مزار او شده است. ایشان همچنین با تجلیل از خانواده‌های شهدای جنگ ۱۲ روزه، تأکید کردند که نام این شهیدان در تاریخ ماندگار خواهد بود و باید از برکت آن بهره برد.

توانایی‌های ملی، زمینه‌ساز تحقیر و تسلیم در برابر دشمن خواهد شد. رهبر انقلاب ارسال سه ماهواره به فضا در یک روز و پیشرفت‌های خیره‌کننده در بخش‌های مختلف علمی کشور را نمونه‌هایی از کارهای بزرگ ملت و جوانان نخبه و کارآمد ایران خواندند و گفتند: دشمن و متأسفانه برخی در داخل، این پیشرفت‌های بزرگ که در شرایط تحریم رقم خورده است را پنهان می‌کنند و به گوش مردم نمی‌رسانند. عاملی که موجب شد، دشمن درخواست توقف جنگ کند و پس از آن نیز پیغام بدهد که نمی‌خواهیم با شما جنگ کنیم، قدرت و توانایی ملت ایران است؛ البته ما به حرف دشمن خیبیت، فریبکار و دروغگو، اعتمادی نداریم.

ایشان با اشاره به میانگین سنی ۲۶ ساله دانشمندان دخیل در پرتاب سه ماهواره اخیر، آن را نمونه‌ای از ثروت عظیم نیروی انسانی ملت ایران برشمردند و گفتند: آن‌وقت آن پناه‌جوی آمریکایی وقتی راجع به ملت ایران حرف می‌زند؛ قدری بدگویی می‌کند و قدری فریب و وعده می‌دهد. اما خوشبختانه امروز ملت ایران و بلکه همه دنیا، آمریکا را شناخته‌اند و تشنه رسوایی آن در جهان فرو افتاده است. مردم در جنگ ۱۲ روزه خودشان واقعیت آمریکا را دیدند. حتی کسانی که راه‌حل مشکلات کشور را مذاکره با او می‌دانستند، فهمیدند که وسط مذاکره، دولت آمریکا مشغول آماده کردن نقشه جنگ بوده است. هدف آنها ضعیف کردن کشور و به‌هم زدن اتحاد معجزه‌آفرین ملت در جنگ ۱۲ روزه است. بنابراین مهم‌ترین مسئله، توجه به دشمنی دشمن و اتحاد و اتفاق درونی و به تعبیر قرآن «اَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ» است.

رهبر انقلاب در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به اجتماعات هفته گذشته بازاریان خاطر نشان کردند: بازار و بازاری جزو وفادارترین اقشار به نظام و انقلاب اسلامی هستند و ما آنها را خوب می‌شناسیم. بنابراین نمی‌توان به اسم بازار و بازاری با جمهوری اسلامی مقابله کرد. ایشان اعتراض بازاری‌ها به کاهش ارزش پول ملی را که باعث بی‌ثباتی محیط کسب‌وکار می‌شود، حرفی درست خوانده و افزودند: کاسب راست می‌گوید که با این شرایط نمی‌تواند کاسبی کند؛ این موضوع را مسئولان کشور هم قبول دارند و رئیس‌جمهور محترم و

رهبر انقلاب، صبح روز گذشته در دیدار خانواده‌های شهیدان جنگ ۱۲ روزه (شهادی اقتدار) با تأکید بر عدالت و تقوا، مرز اعتراض و اغتشاش را تبیین کردند و ضمن به‌رسمیت شناختن اعتراض به‌حق بازاریان، آنها را جزو وفادارترین اقشار به نظام و انقلاب اسلامی خوانده و تأکید کردند: «نمی‌توان به اسم بازار و بازاری با جمهوری اسلامی مقابله کرد. اینکه یک عده تحت نام‌های گوناگون می‌آیند به قصد تخریب به قصد ناامن کردن کشور پشت سر بازاری‌های مؤمن و سالم و انقلابی قرار بگیرند، از اعتراض آنها سوءاستفاده کنند، اغتشاش کنند اصلاً قابل قبول نیست، مطلقاً. کار دشمن را باید شناخت، دشمن آرام نمی‌نشیند از هر فرصتی استفاده می‌کند. اینجا دیدند یک فرصتی است از این خواستند استفاده کنند، البته مسئولین ما در میدان بودند و خواهند بود؛ مهم مجموعه ملت است. مهم بی‌تفاوت نبودن در مقابل جنگ نرم دشمن و در مقابل شایعه‌پردازی‌های دشمن است. مهم این است که وقتی انسان احساس کرد دشمن طلبکارانه می‌خواهد یک چیزی را بر کشور و مسئولین و بر دولت و ملت تحمیل کند، با قدرت کامل در مقابل او بایستد و سینه سپر کند».

رهبر انقلاب در سالروز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و ششمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی با تأکید بر اینکه در میان خصوصیات بی‌نظیر امیرمؤمنان، ما امروز به دو خصوصیت یعنی «عدالت و تقوا» نیاز مبرم‌تری داریم، گفتند: باید با الگو قرار دادن مولای متقیان به سوی این دو قله که حضرت امیر بر فراز آنها ایستاده، حرکت کنیم؛ البته در این مسیر، پیشرفت‌هایی داشته‌ایم اما تا جایی که باید به آن برسیم، فاصله داریم. آن حضرت عدالت را گاه با «مهربانی، خدمت به ضعیفان و خانواده‌های بی‌سرپرست» اعمال می‌کرد و گاهی با «ذوالفقار و خشونت الهی» و گاهی با «زبان رسا و حکمت و تبیین». رهبر انقلاب، امیرالمؤمنین را مصدر جهاد تبیین خواندند و فرمان ایشان به مالک اشتر را سرشار از مفاهیم تحقق عدالت دانسته و در تبیین تقوا افزودند: عدالت علوی نیز واجب‌ترین و جدی‌ترین نیاز کشور است و ما امروز، هیچ بهانه‌ای برای پیگیری نکردن و اجرا نشدن عدالت نداریم؛ چراکه حکومت «جمهوری اسلامی و نظام علوی» است. گاهی ترس، گاهی تردید و ملاحظه رفاقت‌ها و گاهی ملاحظه دشمن، جلوی کار را می‌گیرد اما باید بدون ملاحظه بی‌مورد به سمت توسعه عدالت و تقوا حرکت کرد.

ایشان، ایجاد شایعات و استفاده از دروغ و فریب و نفوذ و روش‌های مشابه و به تعبیر امروزی، «جنگ نرم» را سیاست دشمنان مولای متقیان در جامعه آن روز خواندند و گفتند: وقتی مردم سست شدند، تحقق اهداف ناممکن می‌شود؛ چراکه براساس سنت الهی، کار دست مردم است و به دست آنها انجام می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای هدف دشمن در جنگ نرم را بی‌انگیزه و ناامید کردن مردم و ایجاد تردید در ملت برشمردند و گفتند: همچنان که در دوره امیرالمؤمنین با شایعه‌سازی و دروغ در پی بدبین کردن مردم بودند، امروز هم همان اقدامات عیناً انجام می‌شود؛ البته ملت ایران نشان داده است که در میدان‌های سخت و هر جا که نیازمند حضور و کمک اوست، محکم ایستاده و دشمن را مأیوس می‌کند. یکی از ابزارهای دشمن و بعضی افراد ناباب یا غافل در کارزار جنگ نرم، انکار داشته‌ها و توانایی‌های ملت ایران است چراکه غفلت از

## احزاب

## بازگشت به اصلاح‌طلبی سازمان‌یافته

## اولین کنگره حزب عهد ایران با تأکید بر مسیر اصلاح‌طلبی برگزار شد

**گروه سیاسی:** اولین کنگره حزب «عهد ایران» روز پنج‌شنبه یازدهم دی ماه با حضور برخی چهره‌های سیاسی مطرح ازجمله بهزاد نبوی، محمدجواد طریف، سیدحسین مرعشی، محمد عطریان‌فر، عباس آخوندی، الیاس حضرتی، علی باقری، مصطفی کواکبیان، فاطمه راکعی، آذر منصوری و جمعی از اعضای کنگره حزب عهد به منظور بررسی و تثبیت برنامه‌ها، اهداف و ساختار این حزب تازمتأسیس برگزار شد.

در آغاز این مراسم، بهزاد نبوی، رئیس پیشین جبهه اصلاحات با تأکید بر اینکه «هیچ انقلابی در دنیا به نتایج مطلوب نرسیده»، اصلاح‌طلبی را تنها مسیر معقول برای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب دانست و با اشاره به تجربه‌های گذشته تصریح کرد که «تداوم و تعمیق اصلاح‌طلبی بدون سازمان‌یابی و انسجام ممکن نیست». نبوی بر اهمیت تلاش جمعی برای عبور از رکود سیاسی و ایجاد گفتمان مبتنی بر توافق تأکید کرد و گفت که احزاب جدید باید بتوانند صدای اقشار مختلف جامعه را نمایندگی کنند و در عمل نقش سازنده‌ای در فرآیندهای تصمیم‌گیری کشور ایفا کنند. نکته محوری سخنان نبوی اما تأکید صریح بر محوریت محمد خاتمی در جریان اصلاحات بود. او شرط حضور خود در کنگره را قطع نکردن پیوند حزب عهد با خاتمی همچنین درخواست عضویت این حزب در جبهه اصلاحات عنوان کرد و گفت اگر حزبی خود را اصلاح‌طلب

می‌داند، ناگزیر باید در این جبهه تعریف شود. محمدجواد طریف، وزیر اسبق امور خارجه نیز به چالش‌های داخلی و خارجی ایران اشاره کرد و گفت که سیاست‌ورزی نیازمند رویکردی متعادل، واقع‌بینانه و مبتنی بر منافع ملی است. او همچنین بر اهمیت ایجاد گفتمان‌های سازنده و کاربردی که بتوانند پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشند، تأکید کرد و با اشاره به نقش مؤثر گفت‌وگو و تعامل با جامعه و نخبگان، خواستار مشارکت گسترده‌تر شهروندان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی شد تا احزاب بتوانند، نمایندگان واقعی مردم باشند و نقش تعیین‌کننده‌تری در روند تصمیم‌گیری کشور ایفا کنند. در ادامه، علی باقری، رئیس هیأت مؤسس حزب درباره اهداف و مبانی حزب عهد ایران اظهار کرد که این حزب با محوریت «اصلاح‌گری توافق‌ساز، عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی و میانه‌روی» شکل گرفته و تلاش دارد تا چالش‌ها و بن‌بست‌های موجود در سیاست‌ورزی ایران را پشت سر بگذارد. محمدرضا جلالی‌پور نیز با رویکردی تحلیلی به وضعیت اجتماعی و سیاسی کشور پرداخت و تأکید کرد که احزاب و فعالان سیاسی باید از آبرو و اعتبار خود برای پیشبرد اهداف جمعی و بهبود شرایط کشور هزینه کنند. جلالی‌پور با انتقاد از روندهای موجود که به‌زعم او باعث فاصله گرفتن فعالان از مردم شده‌اند، خواستار ایجاد راهکارهای نوین و مشارکتی برای حل مشکلات شد.

در پایان نیز انتخابات داخلی حزب برگزار و نفرت عضو شوروی مرکزی به این شرح انتخاب شدند: محمدرضا جلالی‌پور، علی باقری، مهدی یوسفی‌جمارانی، میترا جلوداری، الهه نوری، حسن فایضی، مرگان اثباتی، محمدحسین نعیمی‌پور، مهدی شیرزاد، حسن حسینی، محمدامین نیکجو، مرضیه آذرافساز، مجتبی بیات، ابوسژر معتمدی، محسن احمدوند، زینب مزارعی، نصیر ملت، محمدامین صمیمی، سجاد احمدوند، ندا شمس و لیلا سیدحاتمی. اعضای علی‌الدل نیز عبارتند از: پرویز کولانی، محمد نوروزی، اصغر زارع‌کهنمویی، فریبرز نجفی‌مهر، حامد ذاکرحسین، آریابرز محمدی، تیوا قاسم‌پور، فرزانه یعقوبعلی و فاطمه گنجگلی. بازرسان این حزب نیز صمد نوروزیان، محمدرضا محمدی، محمدهاشم سمتی، سیدسجاد حسینی و سیاوش نوری هستند. اعضای علی‌الدل نیز عبارتند از الناز نیک‌سرشت و ریحانه لکریان. نکته اینکه در اساسنامه این حزب سهمیه ۳۰ درصدی تبعیض مثبت برای زنان در نظر گرفته شده بود که با احتساب این سهمیه ۷ زن در شورای مرکزی و ۳ زن در اعضای علی‌الدل حضور دارند. همچنین پس از انتخاب اعضای شورای مرکزی، علی باقری به‌عنوان دبیر کل این حزب به مدت ۲ سال انتخاب شد. باقری، مدیرکلی سیاسی وزارت کشور در دولت اصلاحات و دبیری جبهه اصلاحات ایران را در کارنامه خود دارد.



# واکنش به دخالت ترامپ

## مراقب سربازان خود باشند

در پی دور جدیدی از اعتراضات در ایران، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با انتشار پستی در شبکه اجتماعی خود، «تروث سوشال»، با دخالت در امور داخلی ایران، از معترضان حمایت و جمهوری اسلامی را تهدید کرد. این موضع‌گیری با واکنش‌های گسترده‌ای در داخل ایران و در سطح بین‌المللی مواجه شد. دونالد ترامپ در پست خود مدعی سرکوب خشونت‌آمیز معترضان شد و نوشت، ایالات متحده برای «نجات» آنها اقدام خواهد کرد. او با بیان اینکه آمریکا «آماده اقدام» است به جمهوری اسلامی هشدار داد که از هرگونه برخورد خشونت‌آمیز با معترضان خودداری کند.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در شبکه اجتماعی ایکس در واکنش به اظهارات مداخله‌جویانه رئیس‌جمهور آمریکا در امور داخلی کشورمان نوشت: «آنهايي که در ايران تحت‌تأثیر نوسانات گذرای نرخ ارز قرار گرفته‌اند، در چند روز گذشته به‌طور مسالمت‌آمیزی اعتراض کرده‌اند، همان‌طور که حق آنهاست. جدای از آن، ما شاهد مواردی از شورش‌های خشونت‌آمیز نیز بوده‌ایم، ازجمله حمله به ایستگاه پلیس و پرتاب کوکتل مولوتف به سمت افسران پلیس. رئیس‌جمهور ترامپ که اخیراً گارد ملی را در داخل مرزهای ایالات متحده مستقر کرد، بهتر از همه می‌داند که

### ادامه تیتريک

## ربایش مادورو

در پی این حمله جمهوری بولیواری ونزوئلا با شدیدترین لحن، تجاوز نظامی ایالات متحده آمریکا علیه خاک و جمعیت ونزوئلایی در مناطق غیرنظامی و نظامی را محکوم کرد. در بیانیه دولت ونزوئلا آمده است: این اقدام، نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد، به‌ویژه مواد ۱ و ۲ آن است که احترام به حاکمیت، برابری حقوقی کشورها و ممنوعیت استفاده از زور را مقدس می‌شمارد. وزیر دفاع ونزوئلا بعد از آنکه ترامپ مدعی شد، نیکلاس مادورو توسط نظامیان آمریکایی ربوده شده، اعلام کرد که مردم متحد هستند و برای جلوگیری از این تجاوز مقاومت خواهند کرد. وی در ادامه افزود: ما مذاکره نخواهیم کرد، ما امتیاز نخواهیم داد و در نهایت پیروز خواهیم شد.

#### ریشه‌تش‌ها

وخامت روابط واشنگتن و کاراکاس به دوده پیش بازمی‌گردد، زمانی که با روی کار آمدن «هوگو چاوز» در سال ۱۹۹۹ این تقابل تشدید شد. دولت آمریکا از سوی کاراکاس به حمایت یا دست‌کم رضایت نسبت به کودتای سال ۲۰۰۲ متهم شد، امری که به شکاف سیاسی میان دو کشور دامن زد. در مقابل، مقامات آمریکایی با طرح ادعاهایی درباره نقض حقوق بشر و عقب‌گرد دموکراتیک، مجموعه‌ای از تحریم‌ها را علیه ونزوئلا در دوره‌های مختلف اعمال کردند. با اجرایی مرحله تازه‌ای از آنچه واشنگتن «عملیات علیه مواد مخدر در حوزه کارائیب» می‌نامد، تنش‌ها بیشتر شد. از سال ۲۰۲۰ حضور ناوها و پروازهای شناسایی آمریکا در منطقه افزایش یافته و واشنگتن این حضور را با ادعای مقابله با جریان موادمخدر منتسب به ونزوئلا توجیه می‌کند. انتخابات سال گذشته ریاست جمهوری نیز به عاملی تبدیل شد تا ایالات متحده پیروزی مادورو در آن را برنتابد. اما نقطه عطف تقابل میان آمریکا و ونزوئلا از حدود اواسط سال ۲۰۲۵ بود که شدت بیشتری گرفت و با اعزام انبوهی از ناوها و جنگنده‌ها به‌منظور محاصره ونزوئلا به اوج خود رسید.

ترامپ پیش‌تر خبر از محاصره دریایی و هوایی ونزوئلا داد و در ادامه از احتمال عملیات زمینی خبر داد. ایالات متحده همچنین جایزه‌ای ۵۰ میلیون دلاری برای دستگیری نیکلاس مادورو تعیین کرد. در ماه نوامبر بود که آمریکا با حملات هوایی مستقیم به قایق‌های ماهیگیری و قاچاقچیان در سواحل ونزوئلا و استقرار بیش از ۱۰ هزار نیروی دریایی و هوایی در دریای کارائیب عملاً خط قرمزهای دیپلماتیک را نادیده گرفت. در این حملات بیش از ۸۰ غیرنظامی کشته شدند. همچنین اعلام شد که آمریکا در مراحل نهایی بررسی گزینه‌های نظامی خود قرار دارد. آمریکا حتی عملیات مبارزه با کانتل‌های موادمخدر را به خشکی نیز گسترش داد.

در اواخر نوامبر ۲۰۲۵ دونالد ترامپ در یک تماس تلفنی مستقیم با نیکلاس مادورو به او اتمام حجت داد تا فوراً از قدرت کناره‌گیری کند. براساس گزارش‌ها، ترامپ در این مکالمه پیامی صریح به مادورو ارسال کرد: «می‌توانی خودت و نزدیکانت را نجات دهی اما باید فوراً کشور را ترک کنی». این پیشنهاد خروج امن برای مادورو، همسر و پسرش در

حملات مجرمانه به اموال عمومی قابل تحمل نیست. به همین دلیل است که پیام امروز پرزیدنت ترامپ، که احتمالاً تحت‌تأثیر کسنانی است که از دیپلماسی می‌ترسند یا به اشتباه معتقدند دیپلماسی غیرضروری است، بسیار غیرمسئولانه و خطرناک است. ملت بزرگ ایران مانند گذشته هرگونه دخالت در امور داخلی خود را قاطعانه رد خواهند کرد. به همین ترتیب، نیروهای مسلح قدرتمند ما در حالت آماده‌باش هستند و دقیقاً می‌دانند در صورت نقض حاکمیت ایران، کجا را هدف قرار دهند». اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به سابقه اقدامات آمریکا علیه ایران، ازجمله تحریم‌ها، ادعای «نجات مردم ایران» از سوی ترامپ را فاقد اعتبار دانست. او تأکید کرد که «ایرانیان اجازه هیچ‌گونه مداخله خارجی را نخواهند داد» و بر لزوم «گفت‌وگو و تعامل» در داخل کشور برای حل مشکلات تأکید کرد.

علی لاریجانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس به‌شدت به ترامپ تاخت.

او هشدار داد که دخالت آمریکا در این مسئله داخلی، به‌معنای «برهم‌ریختگی کل منطقه و نابودی منافع آمریکا» خواهد بود. لاریجانی خطاب به مردم آمریکا نیز گفت: «ماجرایی که ترامپ

ازای کناره‌گیری فوری از قدرت بود. نیکلاس مادورو در مقابل این اتمام حجت، مجموعه‌ای از درخواست‌های متقابل را مطرح کرد که با مخالفت ترامپ مواجه شد. این درخواست‌ها براساس گزارش‌های منتشر شده درخواست عفو کامل قضایی برای خود و اعضای خانواده‌اش، ازجمله لغو کلیه تحریم‌های آمریکا و پایان یافتن پرورنده‌ش در دادگاه کیفری بین‌المللی. درخواست محافظت از ۲۰۰ میلیون دلار دارایی شخصی‌اش. لغو تحریم‌های بیش از ۱۰۰ مقام دولتی ونزوئلا که به نقض حقوق بشر، قاچاق مواد مخدر و فساد متهم بودند. واگذاری ریاست دولت موقت به «دلسی رودریگز»، معاون رئیس‌جمهور، تا زمان برگزاری انتخابات جدید. واگذاری کنترل سیاسی و در عین حال حفظ کنترل بر نیروهای مسلح بود.

مادورو حتی به فاصله یک روز به تجاوز نظامی آمریکا به خاک ونزوئلا پیشنهاد گفت‌وگو داد. رئیس‌جمهور ونزوئلا، گفت که آماده مذاکره با آمریکا در مورد قاچاق موادمخدر، نفت و مسئله مهاجرت است و این گفت‌وگو می‌تواند در «هر مکان و زمانی» که آمریکا بخواهد انجام شود. اما این پیشنهاد با استقبال واشنگتن مواجه نشد و دولت ترامپ عملیات نظامی و ربایش رئیس‌جمهور ونزوئلا را در دستور کار قرار داد.

#### واکنش‌های جهانی

اقدام آمریکا در ربایش نیکلاس مادورو با واکنش‌های جهانی همراه بوده است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران طی بیانیه‌ای اعلام کرد که «حمله نظامی آمریکا به ونزوئلا و نقض فاحش حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی این کشور را به‌شدت محکوم می‌کند». ایران تأکید کرده که «تجاوز نظامی آمریکا علیه یک دولت مستقل عضو سازمان ملل متحد، نقض فاحش صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است که پیامدهای آن متوجه کل نظام بین‌الملل بوده و نظام مبتنی بر منشور سازمان ملل را بیش از پیش در معرض فرسایش و تخریب قرار خواهد داد». وزارت خارجه روسیه نیز «تجاوز مسلحانه آمریکا علیه ونزوئلا» را محکوم کرد و هرگونه «بهاذه‌ای» که برای توجیه چنین اقداماتی ارائه می‌شود را غیرقابل قبول خواند. کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی



آغاز کرد. مراقب سربازان خود باشند». او همچنین تلاش کرد تا میان معترضان و آنچه «عوامل تخریب‌گر» می‌خواند، تمایز قائل شود و اعلام کرد: «ما مواضع کسبه معترض را از عوامل تخریب‌گر جدا می‌دانیم».

علی شمشخانی، مشاور سیاسی رهبری نیز با تأکید بر اینکه امنیت ملی ایران «خط قرمز» است، هرگونه مداخله را با «پاسخ پشیمان‌کننده» تهدید کرد. او در پیامی نوشت: «هر دست مداخله‌گری که با بهانه‌جویی به امنیت ایران نزدیک شود، پیش از رسیدن با پاسخ پشیمان‌کننده، قطع خواهد شد».

امیرسعید ابروانی، سفیر ایران در سازمان ملل در نامه‌ای فوری به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت، اظهارات ترامپ را «مداخله آشکار در امور داخلی» و نقض حقوق بین‌الملل خواند. او در این نامه با اشاره به سوابق تاریخی آمریکا، این اقدامات را ال‌گویی مستمر از مداخله و اعمال فشار تحت‌پوشش «حمایت از مردم ایران» توصیف کرد. ابروانی در این نامه تأکید کرد: هرگونه

اتحادیه اروپا در واکنش به حمله آمریکا به ونزوئلا گفت: ما با وزیر رویو و سفیرمان در کاراکاس صحبت کردیم و از نزدیک اوضاع را زیر نظر داریم. ما بارها تأکید کرده‌ایم که مادورو فاقد مشروعیت است. این اتحادیه بارها از انتقال مسالمت‌آمیز قدرت حمایت کرده است. نخست‌وزیر انگلیس با بیان این ادعا که لندن نقشی در حمله ایالات متحده به ونزوئلا نداشته است بر لزوم رعایت حقوق بین‌الملل تأکید کرد. کیري استارمر افزود: «می‌خواهیم با رئیس‌جمهور صحبت کنیم؛ می‌خواهم با متحدان صحبت کنم». وزارت خارجه آلمان نیز بیان کرد: ما اوضاع در ونزوئلا را با نگرانی شدید دنبال می‌کنیم. تیم ویژه بحران برای بررسی اوضاع نشستنی برگزار خواهد کرد. میگل دایاز کاسل، رئیس‌جمهوری کوبا در بیانیه‌ای، حمله آمریکا به ونزوئلا را جنایتکارانه خواند و آن را به شدت محکوم کرد. وی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: کوبا با این حمله جنایتکارانه آمریکا علیه ونزوئلا را محکوم کرده و فوراً خواستار واکنش جامعه بین‌المللی است. منطقه صلح ما به‌طور بی‌رحمانه‌ای مورد تعرض قرار گرفته است. گوستاوو پترو، رئیس‌جمهور کلمبیا نیز گفت: با نگرانی شدید گزارش‌های مربوط به انفجارها و تحرکات هوایی غیرمعمول در ساعات اخیر در ونزوئلا را رصد می‌کنیم. وی افزود: بر منشور سازمان ملل و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها تأکید داریم. با هر اقدام نظامی یک جانبه که به بغرنج شدن اوضاع منجر می‌شود یا جان غیرنظامیان را در معرض خطر قرار می‌دهد به‌شدت مخالفیم. گروه‌های مقاومت از جمله انصارالله، حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس نیز تجاوز آمریکا به ونزوئلا را محکوم کردند.

#### عملیات با معامله؟

ماجرای پایان کار نیکلاس مادورو با دو روایت کاملاً متفاوت و متضاد همراه است: یکی، روایت یک عملیات نظامی برق‌آسا و غافلگیرکننده توسط نیروهای ویژه آمریکا و دیگری، سناریوی یک توافق پشت پرده و خروج مذاکره شده. شواهد موجود تصویری پیچیده و مبهم از این رویداد ارائه می‌دهند که بررسی هر دو دیدگاه را ضروری می‌کند. با توجه به شواهد موجود، هیچ کدام از دو سناریو را نمی‌توان به‌طور کامل رد یا تأیید کرد. محتمل‌ترین تحلیل، ترکیبی از هر دو گزینه است: به‌نظر می‌رسد دولت ترامپ با افزایش فشارهای نظامی بی‌سابقه (استقرار ناوگان در کارائیب، حملات محدود و بستن حریم هوایی) و همزمان باز گذاشتن کانال‌های مذاکره به دنبال تسلیم کردن مادورو بوده است. اتمام حجت ترامپ برای خروج فوری مادورو و رد پیشنهاد ۱۸ ماهه او، نشان‌دهنده شکست مذاکرات در رسیدن به یک توافق کامل بود. در چنین شرایطی عملیات نظامی نهایی می‌تواند به‌عنوان ابزار اجرایی برای به نتیجه رساندن فشارهای چندماهه و یا واکنشی به شکست کامل مذاکرات تلقی شود. ممکن است یک «توافق حداقلی» برای تسلیم بدون خونریزی در ازای تضمین‌هایی نامشخص صورت گرفته باشد و عملیات نظامی تنها پوششی برای حفظ ظاهر و نمایش قدرت آمریکا بوده است.

در نهایت، روایت رسمی آمریکا بر «بازداشت نظامی» تأکید دارد، اما شواهد مربوط به مذاکرات پشت پرده و پیچیدگی‌های لجستیکی عملیات نظامی، فرضیه «تسلیم توافقی‌شده» تحت فشار شدید نظامی را بسیار محتمل می‌کند. حقیقت ماجرا احتمالاً در جایی میان یک عملیات نظامی قاطع و یک معامله سیاسی پنهان قرار دارد.



تشویق، حمایت یا تسهیل فعالیت‌های براندازانه یا خشونت‌آمیز در داخل دولت دیگر، به‌موجب حقوق بین‌الملل عملی متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شود و به‌طور مستقیم مسئولیت بین‌المللی دولت مداخله‌گر را متحقق می‌کند.

مایک والتز، سفیر آمریکا در سازمان ملل نیز با انتشار پستی در شبکه ایکس به اقدام ایران نیز واکنش نشان داد و نوشت: «شکایت‌های ایران به سازمان ملل، دهه‌ها حمایت از تروریسم و سرکوب مردم خود را نادیده می‌گیرد. آمریکا و ترامپ با ایرانیانی که آرزوی آزادی دارند، قاطعانه همپیمان هستند!»

برخی تحلیل‌ها بر این باورند که هم‌زمان با تشدید تنش‌های سیاسی میان ایران و آمریکا، تلاش‌هایی برای ایجاد فضای ناامن و هدایت اعتراضات به سمت درگیری‌های مسلحانه در حال شکل‌گیری است. بر پایه این ارزیابی‌ها، هدف اصلی این سناریو، تبدیل اعتراضات اجتماعی به رویارویی‌های خشونت‌آمیز و فراهم‌سازی بهانه برای مداخله خارجی عنوان می‌شود.

### ترجمه

## درگیری‌های چندجبهه‌ای

#### بشکه باروت خاورمیانه

شورای آتلانتیک در مقاله‌ای با اشاره به اینکه خاورمیانه در آستانه یک بحران جدید قرار دارد، نوشت: درحالی که یک سال پر تنش به پایان می‌رسد، خاورمیانه وارد دوره‌ای دیگر از تنش‌های استراتژیک شدید شده است. شبکه‌ای پیچیده از بازیگران درگیر وجود دارد: اسرائیل، ایران، لبنان، عراق و یمن، همراه با گروه‌های مسلح غیردولتی ازجمله حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها و چندین جناح در نیروهای بسیج مردمی عراق. هیچ‌کس نباید مجموعه اتفاقات موقت آش‌پس موجود در منطقه را با بازدارندگی و صلح پایدار اشتباه بگیرد، زیرا مسائل بنیادی همچنان حل‌نشده باقی مانده و اهداف نهایی مورد نظر دشمنان کاملاً متضاد هستند.

خطر بروز دوباره درگیری‌های چندجبهه‌ای در ماه‌های آینده افزایش یافته است. این خطر ناشی از سه روند همگرایانه است: تلاش ایران برای بازسازی توانمندی‌های ضربتی و بازدارنده استراتژیک، ادامه امتناع حزب‌الله و حماس از خلع سلاح و پیوند روزافزون میدان‌های منطقه‌ای از غزه و جنوب لبنان تا عراق و دریای سرخ. خطر اصلی پیش روی منطقه، تشدید بی‌دری تنش‌هاست که از غزه به لبنان، ایران و فراتر از آن گسترش می‌یابد. رهبران اسرائیل به‌صورت علنی اعلام کرده‌اند که ترتیبات دیپلماتیک برای تثبیت مرز شمالی اسرائیل نمی‌تواند نامحدود باقی بماند. اسرائیل گفته است که لبنان تا پایان سال میلادی فرصت دارد تا پیروی معناداری از قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل، به‌ویژه در مورد حضور مسلحانه حزب‌الله در جنوب رودخانه لیتانی، نشان دهد. در صورت عدم پیشرفت، مقامات اسرائیلی هشدار داده‌اند که ممکن است اقدام نظامی را به‌عنوان یک ضرورت و نه انتخاب در نظر بگیرند. اسرائیل همچنین می‌تواند برای دستیابی به اهداف خود در خلع‌سلاح حماس و اطمینان از اینکه ایران دیگر تهدید موشکی یا هسته‌ای ندارد، اقدام به تشدید اوضاع کند. ویژگی متمایز وضعیت کنونی نه‌تنها استمرار این درگیری‌ها، بلکه میزان احتمال این است که تشدید در یک جبهه، پاسخ‌هایی را در سایر جبهه‌ها به‌دنبال داشته باشد. سیاست‌گذاران آمریکایی نباید احتمال بحران مجدد در خاورمیانه را نادیده بگیرند.





ادبیات ایران

## جای خالی نقد ادبی

روایت **مریم حسینی**

از چرایی عدم‌نامزدی کتاب‌های نقد ادبی در جایزهٔ جلال



امسال در جایزهٔ جلال آل‌احمد از بین آثاری که در حوزهٔ نقد ادبی مورد ارزیابی داوران قرار گرفته‌اند، هیچ اثری حتی نامزد دریافت این جایزه نشده است. چنین اتفاقی نشان از بحرانی جدی در نقد ادبی دارد. نقد ادبی گرچه شاید در قیاس با شعر و داستان، حضوری آرام‌تر، کم‌دعاتر و گاه حتی نامرئی در عرصهٔ ادبیات داشته باشد اما همین حضور کمرنگ، یکی از ستون‌های اصلی حیات ادبی است. به همین دلیل، خالی ماندن بخش نقد ادبی در یکی از مهم‌ترین جوایز ادبی کشور، تنها یک تصمیم داوری نیست بلکه نشانه‌ای معنادار از وضعیت کلی این حوزه است؛ نشانه‌ای که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد.

##### وضعیت ملق

نقد ادبی در ایران سال‌هاست در وضعیتی ملق به‌سر می‌برد؛ نه آن‌قدر پربروق که بتوان از شکوفایی سخن گفت و نه آن‌قدر خاموش که بتوان مرگش را اعلام کرد. تعداد کتاب‌های منتشرشده در این حوزه اندک است و از میان همین تعداد محدود نیز سهم قابل‌توجهی به کتاب‌هایی اختصاص دارد که بیشتر به تحقیق دانشگاهی، گزارش نظریه‌ها یا بازنویسی پایان‌نامه‌ها شباهت دارند تا نقد ادبی به معنای دقیق کلمه. در چنین آثاری متن ادبی اغلب به بهانه‌ای برای مرور مفاهیم نظری تبدیل می‌شود، نه موضوعی زنده برای خوانش، تفسیر و گفت‌وگو. از سوی دیگر، نقد ادبی در سال‌های اخیر بیش از پیش از مخاطب عمومی فاصله گرفته است. زبان دشوار، ارجاعات سنگین نظری و بی‌اعتنایی به مسألهٔ خواننده شدن، باعث شده نقد ادبی در حلقه‌ای محدود از دانشگاهیان محصور بماند. درحالی که در دوره‌هایی از تاریخ ادبیات معاصر، منتقدان نقش واسطه‌ای فعال میان متن و جامعه داشتند، امروز این نقش کمرنگ شده و نقد ادبی بیشتر به فعالیتی درون‌گروهی تبدیل شده است؛ فعالیتی که کمتر به فضای عمومی فرهنگ راه پیدا می‌کند.

##### غیبت جسارت

مسألهٔ دیگر، غیبت جسارت فکری و خطرپذیری در نقد است. نقد ادبی، ذاتاً با پرسش‌گری، تردید و شکستن عادت‌ها معنا پیدا می‌کند اما بسیاری از آثار موجود ترجیح می‌دهند در مسیرهای امن حرکت کنند؛ بازتولید نظریه‌های شناخته‌شده، تکرار چارچوب‌های آشنا و پرهیز از خوانش‌های مسئله‌مند. این احتیاط مزمن، نقد را از نیروی مداخله‌گر و جریان‌سازش تهی کرده است. منتقد کمتر وارد گفت‌وگوی انتقادی با سنت، متن یا حتی نظریه شده و بیشتر در نقش گزارش‌گر ظاهر می‌شود. شرایط اجتماعی و زیست روزمره پژوهشگران را هم نمی‌توان نادیده گرفت. نقد ادبی نیازمند زمان، تمرکز و امنیت ذهنی است؛ اموری که در سال‌های اخیر برای بسیاری از پژوهشگران به کالایی کمیاب تبدیل شده‌اند. فشارهای اقتصادی، فرسودگی ساختار دانشگاه، ضعف حمایت‌های نهادی و بحران نشر تخصصی، همگی به کاهش تولید آثار جدی در این حوزه دامن زده‌اند. وقتی نوشتن نقد عمیق نه امنیت شغلی می‌آورد و نه امکان دیده شدن، طبیعی است که بسیاری از استعدادها مسیرهای کم‌هزینه‌تر را انتخاب کنند. در چنین بستری، پرسش از «چرایی» غیبت آثار شایسته در نقد ادبی در واقع پرسش از وضعیت کلی تفکر انتقادی در ادبیات امروز ایران است. گفت‌وگوی پیش‌رو تلاشی است برای واکاوی همین وضعیت؛

نگاهی از درون به حوزه‌ای که اگرچه کم‌صداست اما غیبتش بیش از هر فریادی شنیده می‌شود.

##### کتاب‌هایی که نقد ادبی نبودند

مریم حسینی، داور بخش نقد ادبی جایزهٔ جلال آل‌احمد، در گفت‌وگو با اینا، دربارهٔ علت معرفی نشدن هیچ کتابی به عنوان نامزد این بخش توضیح داد: «کتاب‌ها را بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای ارزش‌مند بررسی کردیم. کتاب‌های بسیار خوبی هم در میان آثار ارسالی وجود داشت اما برای این‌که کتابی شایسته دریافت جایزهٔ جلال شود باید مجموعه‌ای از معیارها را به‌صورت هم‌زمان داشته باشد؛ معیارهایی که در نهایت بتواند آن کتاب را شایسته دریافت جایزه کند. در میان آثار بررسی شده چنین کتابی پیدا نکردیم. برخی کتاب‌ها بسیار خوب بودند اما اساساً در حوزهٔ نقد ادبی نمی‌گنجدند؛ یعنی نمی‌شد عنوان «نقد ادبی» را به آن‌ها اطلاق کرد. بسیاری از این آثار کتاب‌های تحقیق و پژوهشی بودند، برخی هم پایان‌نامه‌ای. اما اطلاق عنوان نقد ادبی به کتابی که همه ویژگی‌های نقد ادبی را داشته باشد و بتواند به پیشبرد اهداف جایزهٔ جلال، یعنی ارتقای سطح دانش نقد ادبی در ایران کمک کند، کار ساده‌ای نیست. چنین کتابی در میان آثار وجود نداشت.» حسینی با اشاره به کاهش تعداد آثار ارسالی به این بخش گفت: «امسال حدود ۷۲ کتاب بررسی شد که به نظر من تعداد کمی است. این کاهش تعداد آثار واقعاً قابل تأمل است. نقد ادبی همیشه نسبت به حوزه‌های دیگر کمتر بوده اما بهر حال روند کاهشی آن ادامه دارد. درحالی که مثلاً در بخش شعر با حجم بالایی از آثار مواجه هستیم در حوزهٔ نقد ادبی تعداد کتاب‌ها همواره کمتر بوده و حالا کمتر هم شده است.»

##### چالش‌های بومی‌سازی نقد ادبی

او دربارهٔ دلایل این وضعیت توضیح داد: «دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد اما شاید مهم‌ترین آن دشواری فهم نظریه‌ها، ترجمه و برگرداندن آن‌ها، تلاش برای بومی‌سازی نظریه‌ها و پیدا کردن مسیرهای تازه باشد. این‌ها مسیرهای نرفته‌ای است که منتقدان باید طی کنند. حوزه نقد ادبی حوزه‌ای بسیار دشوار است و طبیعتاً کار هر کسی نیست؛ نیازمند پژوهشگران زبده، نخبه و باتجربه است.» این داور جایزهٔ جلال افزود: «متأسفانه بسیاری از کارهایی که امروز انجام می‌شود، کارهای سردستی و زودبازده است؛ کارهایی که صرفاً برای گرفتن نمره یا اهداف مشابه انجام می‌شود. کارهای بنیادی نقد ادبی که پژوهش‌گر باید سال‌ها برای آن‌ها وقت بگذارد بسیار محدود و کم شده است. وضعیت اجتماعی و شرایط کلی جامعه هم بی‌تأثیر نیست. اولین چیزی که هر پژوهش‌گری نیاز دارد، آرامش خاطر است و این آرامش سال‌هاست که از جامعه ما رخت برسته است. بنابراین نباید انتظار داشته باشیم، اندیشمندان بتوانند با تمرکز و فراغ بال به پژوهش‌های عمیق بپردازند.» حسینی با اشاره به کیفیت نشر آثار نیز گفت: در میان آثار ارسالی، ناشران مطرح چندانی حضور نداشتند. گاهی نویسنده تلاش کرده بود اما کتاب از نظر نشر و چاپ بسیار ضعیف بود، به‌ویژه در کتاب‌های دانشگاهی که از نظر کیفیت نشر مشکلات جدی دارند. شکل و کیفیت انتشار کتاب در ارزیابی آن و امتیازی که کسب می‌کند، تأثیرگذار است. او در پایان با اشاره به انتشار بیانیه داوران گفت: بیانیه مفصلی نوشته شده که تمام این نکات در آن آمده و احتمالاً منتشر می‌شود.

مریم مشرّف، شاعر، پژوهشگر و استاد ادبیات فارسی در دانشگاه شهید بهشتی در کتاب حاضر، بخشی از درس‌گفتارها و یادداشت‌های خود را دربارهٔ سرورده‌های نیما یوشیج و چند تن از شاگردان و پیروان دور و نزدیک او (احمد شاملو، امیرهُوشنگ ابتهاج، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد و شفیعی‌کدکنی) از منظر مدرنیسم ادبی در دسترس علاقه‌مندان ادبیات معاصر ایران قرار داده است. او با ارائهٔ توضیحاتی دربارهٔ کتاب «مدرنیسم در شعر فارسی: نیما یوشیج و شاگردانش» می‌گوید: «فردیت ویزگی مدرن مهمی در شعر ماست و سیال بودن مفاهیم و بروز ناخودآگاهی جلوه‌هایی از شعر مدرن هستند.» «آفاق مدرنیسم»، «آواز او چو ضربت بر قطعه چُدن» (مروری بر شعر نیما یوشیج)، «حدیث بی‌قراری ماهان» (جستاری در شعر احمد شاملو)، «سهم سایه در بلاغت چپ» (نگاهی به شعر امیرهُوشنگ ابتهاج)، «این شکسته چنگ بی‌قانون» (نظری به بوطیقای شعر مهدی اخوان ثالث)، «جنبش واژه زیست» (بحثی در شعر سهراب سپهری)، «بارور ز درد» (جست‌وجویی در شعر فروغ فرخزاد) و «تأمل در آنات فرزانگی» (مروری بر چند دیوان شعر محمدرضا شفیعی کدکنی) فصل‌های این کتاب هستند.

##### در ادبیات پیش‌روتر از اقتصاد هستیم

مریم مشرّف در گفت‌وگو با ایسنا دربارهٔ ضرورت پرداختن به مسألهٔ مدرنیسم در ادبیات می‌گوید: «ما از یک دورهٔ تاریخی عبور کرده‌ایم اما بعضی از مسائل این دورهٔ تاریخی را برای خودمان حل نکرده‌ایم. به لحاظ اقتصادی نتوانسته‌ایم از مدرنیسم عبور کنیم زیرا زیرساخت‌های آن شکل نگرفت. شاید بشود گفت در ادبیات از این لحاظ جلوتر از اقتصاد بودیم و ادبیات پیش افتاده است که دلیل آن ترجمه‌ها هستند؛ جریانی بعد از دورهٔ مشروطیت و مقارن همان ایام در ایران به‌وجود آمد که به ادبیات کشورهای دیگر به ویژه مغرب‌زمین توجه نشان داد و به‌تدریج نوع نگاه را در مضمون‌های ادبیات تغییر داد.» او بیان اینکه در این دوره، نگاه متفاوتی در ادبیات ایران حاکم شد، افزود: «نوعی نگاه فردگرایانه و انسان‌محور در برابر نگاه‌های اجتماعی که بر ادبیات کلاسیک کشورمان

#### سینمای جهان

## بازیگر حقیقت زندگی

محمد بکری، کارگردان فلسطینی درگذشت

محمد بکری، فیلمساز سرشناس فلسطینی، روز پنج‌شنبه ۴ دی درگذشت. بکری، بازیگر، کارگردان و نماد فرهنگی فلسطین بود و در سن ۷۲ سالگی از دنیا رفت.

برای برخی، محمد چهره‌ای آشنا در سینما بود، با بازی در «توطئه قاهره» (۲۰۲۲)، فیلمی درباره پسر یک ماهیگیر که به ابزاری در منازعه میان نخبگان مذهبی و سیاسی مصر تبدیل می‌شود و نقش معاون رئیس‌جمهور افغانستان، عبدالقادر قولم، در «هوملند» (۲۰۲۰).

اما بسیاری او را پیش از همه با «جنین، جنین» (۲۰۰۲) مستندی که خود کارگردانی کرد و درباره عملیات نظامی اسرائیل در شهر جنین در انتفاضه دوم فلسطین بود به یاد می‌آورند. این فیلم ویرانی و دل‌شکستگی ساکنان فلسطینی را، عمدتاً از طریق مصاحبه با مردم اردوگاه پناهندگان جنین به تصویر می‌کشید و در اسرائیل ممنوع شد. در طول بسیاری از سال‌های فعالیت محمد، منتقدانش تلاش کردند او را ساکت کنند، چه با جرمه‌های ناعادلانه و چه اقدامات قانونی مکرر.

##### زندگی و آثار محمد بکری

بکری اغلب یکی از بنیانگذاران سینمای فلسطین توصیف می‌شود. او در روستای بیعینه در جبلیل فلسطین متولد شد و کودکی خود را زیر حکومت نظامی اسرائیل گذراند. در زمانی که صحنه تئاتر فلسطین هنوز شکل نگرفته بود، محمد بازیگری خود را در تئاترهای به زبان عبری آغاز کرد. تحول بزرگ او با مشارکت در یک نمایش سیاسی به کارگردانی جوزف چایکین، نمایشنامنویس آمریکایی، اتفاق افتاد که پیامدهای کشتار صبرا و شتیلا را به نمایش گذاشت و باعث جلب توجه بیشتر او شد و منجر به آزمون بازیگری با کارگردان یونانی، کوستا گاوراس، شد که توسط دستیار وقت او، کلر ندیس انجام شد. نتیجه، «هانا ک.» (۱۹۸۳) بود؛ یکی از اولین فیلم‌های جریان اصلی غربی که مسئله فلسطین را با همدلی نشان داد و حق

# دنیای نیما ورهروانش

روایت **مریم مشرف** از مدرنیسم ادبی در شعر فارسی

حاکم است، پیدا شد. منظور از نگاه اجتماعی این است که معمولاً یک خرد جمعی و مصالح اجتماعی عمومی در ادبیات کلاسیک داریم و کل را در نظر می‌گیریم یعنی خوبی و زیبایی، مفاهیم کلی هستند و صیغه و رنگ فردیت در آن‌ها کمرنگ است درحالی که در دورهٔ جدید، فردیت به ادبیات می‌آید.» این استاد دانشگاه با بیان این‌که برخی از تحولات جهانی در نگاه‌های روشن‌فکران ایرانی اثر گذاشت، توضیح داد: «در قرن نوزدهم و بیستم اندیشمندانی مانند داروین، نیچه و فروید مبانی اندیشه اجتماعی و مبانی اندیشه هنری را متحول ساختند. برای مثال زمانی که داروین اصل تکامل را مطرح کرد، این اصل با باور دیرین که انسان را تصویری از آینهٔ صفات الهی می‌دانست در تعارض قرار گرفت زیرا ثابت کرد یک منشأ پست و غریز حیوانی در انسان اصالت دارد و این با آن نگاه الهی در تعارض است. این دیدگاه به نوبهٔ خود منجر به پیدایش مکتب ناتورالیسم در داستان فارسی شد. در «اتنری که لوطی‌اش مرده بود» اثر صادق چوبک یا برخی از داستان‌های کوتاه صادق هدایت، تکیه بر دنانت و پستی در بشر برجسته شده و ما این‌ها را درک نمی‌کنیم مگر این‌که آن‌ها را در سایهٔ روح زمانه‌اش بررسی کنیم که پیدایش اندیشه‌ها و افکار نوین است. یا فرض کنید، باورهای کلی دربارهٔ زیبایی و قداست عشق با پیدا شدن مفهوم لیبیدو و مفهوم فرویدی است، متزلزل شد و عشق معنای تازه‌ای یافت که با امیال و آرزوهای کاملاً غریزی درآمیخته است، درحالی که در متون کلاسیک و عرفانی، عشق صفت الهی است که انسان هم از آن بهره‌ای برده است. این دیدگاه‌ها در تعارض با هم قرار دارند. دیگر دغدغهٔ فروید در بارهٔ ناخودآگاهی است یعنی واقعیتی که ما می‌بینیم تمام واقعیت نیست و بخشی از واقعیت، پنهان است و آن در نهاد نهفته بشر ریشه دارد. این دیدگاه هم در ادبیات فارسی کاملاً نمود پیدا کرده است؛ یعنی بازتاب ناخودآگاهی در شعر. شعرهایی متأثر از مکتب سورئالیسم هستند به ویژه «زندگی خواب‌ها»ی سهراب سپهری متأثر از این اندیشه است.

##### تلاش برای رفع خلأ نظری

مریم مشرف دربارهٔ هدف و انگیزه‌اش برای نوشتن کتاب «مدرنیسم در شعر فارسی» می‌گوید: «زمانی که ادبیات معاصر را در دانشگاه

بازگشت را مطرح کرد. او در گفت‌وگویی بیان کرد که بازی به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر فلسطینی فیلم، مثل حمل صلیب بر دوش من بود. پس از «هانا ک.»، بکری در درام زندان «فراتر از دیوارها» (۱۹۸۴) به کارگردانی اوری بارباش، کارگردان اسرائیلی نقش‌آفرینی کرد. فیلم حول شراکت غیرمحمّل شخصیت محمد، یک بازداشت‌شده PLO بسا یک محکوم یهودی می‌چرخید. او در مصاحبه‌ای گفت که فیلم از تغییر نگرش عمومی اسرائیل نسبت به راحل دو دولتی پس از کشتار صبرا و شتیلا بهره برده است. بکری اظهار کرد: «صبرا و شتیلا







سال هشتم شماره ۲۱۵۳  
یک‌شنبه ۱۴ دی ۱۴۰۴

گزارش: سینمای جهان

## معماهای جنایی تازه

بهترین فیلم‌ها و سریال‌های اولین ماه سال ۲۰۲۶

شخصیت‌های جنایی رنگارنگ دیگری هم دارد که در چندین کتاب حضور یافته‌اند. یکی از آنها لیدی آیلین برنت معروف به «باندل» است؛ کارآگاهی پرانرژی و عضوی از نسل «جوانان درخشان» انگلستان (اشراف‌زادگان جوان دهه ۱۹۲۰ که به‌خاطر نگرش‌های بی‌خیال و مهمانی‌های پرزرق‌وبرقشان خبرساز بودند). در مینی‌سریال «هفت ساعت» (براساس رمان سال ۱۹۲۹) میا مک‌کنا-پروس نقش باندل را بازی می‌کند که در جریان یک مهمانی در خانه‌ای روستایی، یکی از دوستان نزدیکش را مرده می‌یابد سپس در تلاش برای اثبات اینکه او خودکشی نکرده، معمایی پیچیده را حل می‌کند. هلنسا بونهام کارتر نقش مادر منزوی باندل را بازی می‌کند و مارتین فریمن در نقش بازرس محلی‌ای ظاهر می‌شود که از دخالت‌های این کارآگاه آماتور کلافه است.

### ریپ (The Rip)

بن افلک و مت دیمون در این درام جنایی که در میامی می‌گذرد، هم تهیه‌کننده و هم بازیگر هستند. فیلم را جو کارنهان نوشته و کارگردانی کرده و داستان آن را او به‌همراه مایکل مک‌گریل پرداخته است. افلک و دیمون نقش کارآگاهان پلیس را بازی می‌کنند که رهبری تیمی را برای بررسی مخفیگاه یک کارتل موادمخدر برعهده دارند. وقتی پلیس‌ها میلیون‌ها دلار پول نقد را در دیوارها پیدا می‌کنند، طبق قانون باید در محل بمانند و پول را بشمارند. اما نگرانی‌ها یکی‌دو تا نیست: ترس از اینکه قاچاقچی‌ها سر برسند، شک به اینکه خود خبرچینی یک تله بوده و بی‌اعتمادی کلی درون اداره‌ای که فساد در آن رایج است. با حضور بازیگرانی چون تیانا تیلور، ساشا کایه، استیون یین، اسکات ادکینز و کایل چندلر، «ریپ» هم ویرینی برای بازیگران است و هم داستانی در سبک «کنج‌های سیرا مادره» درباره طمع و پارانویا.

### «برجرتون» فصل چهارم، بخش اول

فصل چهارم این عاشقانه دوره نیابت سلطنتی کار سختی دارد تا بتواند از فصل سوم بسیار محبوب که بر پنلوپه فایرینگتون، نویسنده مخفی شایعات (نیکولا کافلن) و عشق دیرینه‌اش کالین برجرتون (لوک نیوتن) تمرکز داشت، پیشی بگیرد. فصل جدید اقتباسی از رمان سال ۲۰۰۱ جولیا کوپین با عنوان «پیشنهادی از یک جنتلمن» است و توجه را به یکی دیگر از خواهر و برادرهای برجرتون معطوف می‌کند؛ بازاقرینی‌ای جذاب و پرحرارت از داستان سسیندرلا. وقتی بندیکت برجرتون هنرمند و خوشگذران (لوک تاپسون) در یک مهمانی بالماسکه، شیفته سوفی بک (یرین‌ها) می‌شود، نمی‌داند که او در واقع به‌عنوان خدمتکار برای نامادری سنگدلش کار می‌کند. درحالی‌که بندیکت در جست‌وجوی بانوی مرموز خود است، سریال به رسوایی‌های دیگر اشراف‌زادگان نیز می‌پردازد و نشان می‌دهد، انتظارات اجتماعی چگونه می‌تواند مانع پیروی نجیب‌زادگان از دل‌شان شود.

هر ماه، تنفلیکس فیلم‌ها و سریال‌های جدیدی را به آرشیو خود اضافه می‌کند. آثاری که شاید هرچند در پلتفرم اصلی برای مخاطبان ایرانی قابل دیدن نباشند اما خیلی زود و از راه‌های مختلف به سبد فرهنگی مخاطبان ایرانی راه پیدا می‌کند. ماه ژانویه که اولین ماه از سال میلادی است همواره محلی برای نمایش بهترین آثار بوده و اکنون نیز در اینجا، انتخاب‌های ما از امیدوارکننده‌ترین آثار جدید ماه ژانویه آمده است.

### فرار کن (Run Away)

دنی براکلهرست، نویسنده و تهیه‌کننده تلویزیونی بریتانیایی، همکاری موفق خود را با نویسنده رمان‌های دلهره‌آور، هارلن کوین، در سریال «فرار کن» ادامه می‌دهد: اقتباسی ۸ قسمتی از رمان سال ۲۰۱۹ کوین. جیمز نسبیت، نقش سایمون گرین را بازی می‌کند؛ مردی که زندگی ظاهرآ ایده‌آل طبقه متوسط رو به بالایش با همسرش اینگرید (مینی دراپور) زمانی از هم می‌پاشد که دختر دانشجوی‌شان، پیچ (الی د لاذنگه) به مواد مخدر معتاد سپس ناپدید می‌شود. وقتی فروشنده اصلی مواد پیچ، مرده پیدا می‌شود، سایمون به مظنون اصلی تبدیل می‌شود. او در تلاش برای تیره خود با یک کارآگاه خصوصی سمج (روث جونز) همکاری می‌کند که انگیزه‌های پنهان خودش را برای این اتحاد دارد. مانند اغلب آثار کوین، «فرار کن» داستانی پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی دارد که با دروغ‌هایی که آدم‌ها حتی به خودشان می‌گویند، پیش می‌رود و نشان می‌دهد برای پنهان کردن حقیقت‌های شوکه‌کننده تا کجا حاضرند، پیش بروند.

### آن مرد و آن زن (His & Hers)

در این مینی‌سریال پریچ‌وخم، تسنا تامپسون نقش آنا را بازی می‌کند؛ مجری اخبار تلویزیونی در آتلانتا که پس از یک تراژدی شخصی، مدتی از کار دور بوده است. او تصمیم می‌گیرد با گزارش درباره قتل در زادگاه کوچک خود در ایالت جورجیا به کارش بازگردد؛ جایی که تقریباً با همه افراد درگیر پرونده، ارتباطی دارد ازجمله کارآگاه اصلی، جک هاریز (جان برتال) و حتی خود مقتول. این سریال که براساس رمانی از آلیس فینی ساخته شده، داستان جنایی‌ای است پر از مظنون‌های قابل باور؛ تقریباً همه آنها از کودکی یکدیگر را می‌شناسند و تقریباً همه‌شان دهه‌ها، کینه‌ها و بی‌اعتمادی‌های قدیمی با خود دارند. تیم خلاق سریال (ازجمله شوراندی جانسون و نویسنده-کارگردان ویلیام اولدروید) گذشته شخصیت‌ها را کم‌کم آشکار می‌کنند و بزرگ‌ترین غافلگیری‌ها را برای دقایق پایانی نگه می‌دارند.

### هفت ساعت آگاتا کریستی

(Agatha Christie's Seven Dials)

اگرچه آگاتا کریستی بیشتر به‌خاطر خلق کارآگاهان افسانه‌ای جین مارپل و هرکول پوآرو شناخته می‌شود،



شاعران ما همیشه مدرن نیستند و این عیبی برای آن‌ها نیست بلکه آن‌ها از برخی صورت‌ها که در فضای شعر مدرن و مکتب‌های متأثر از فکر تازه وجود داشته، مانند نسبیت، عدم قطعیت، تزلزل، ازم گسیختگی صوری و کاربرد بیشتر نماد به‌جای تشبیه و استعاره استفاده کرده‌اند اما هیچ‌کدام مانع نشده که شاعران بزرگ ما از فرم‌های ثابت و قطعی گذشته چشم‌پوشی کنند، همه آن‌ها سنت‌شکنی را با تکیه و آگاهی از سنت انجام داده‌اند و شاید دلیل توفیق آن‌ها هم همین باشد. همان‌طور که در مقدمه آورده‌ام، نام‌های بزرگی از این کتاب افتاده است زیرا قصد من شرح تمام تاریخ ادبیات معاصر نبود و این همه در یک جلد نمی‌گنجد. امیدوارم بتوانم در آینده مطالعه‌ام را ادامه دهم و وسعت ببخشم.»

این استاد دانشگاه دربارهٔ شاخص‌ترین ویژگی شعر مدرن ایران نیز گفت: «فردیت در کنار تعهد اجتماعی؛ فردیت و بزرگی مدرن مهمی در شعر ماست و سیال بودن مفاهیم و بروز ناخودآگاهی، جلوه‌هایی از شعر مدرن هستند. هم‌چنین شاعران مدرن تعهد اجتماعی داشتند که در کتاب دربارهٔ آن بحث شده است.» مریم مشرف دربارهٔ عنوان کتاب «مدرنیسم در شعر فارسی: نیما یوشیج و شاگردانش» نیز توضیح داد: «شاگردان» در اینجا به معنی پیروان سبک نیمایی بوده است وگرنه هر یک از شاعرانی که در این کتاب مطرح شدند، استاد هستند. این عنوان پیشنهاد ناشر بود و تقریباً با بی‌میلی آن را قبول کردم چون نمی‌خواستم واژهٔ «شاگردان» را به کار ببرم زیرا هر کدام استاد هستند؛ مثلاً در شعر، ابتهاج مقام بالای دارد و یا استاد شفيعی کدکنی و شاملو. شاگرد در اینجا در معنای پیرو است. هم‌چنین ترتیب مقالات براساس تاریخ تولد شاعران بوده و نه ارزش‌گذاری شعرشان که این هم به دلیل اصرار ناشر محترم بود و من هم پذیرفتم.»

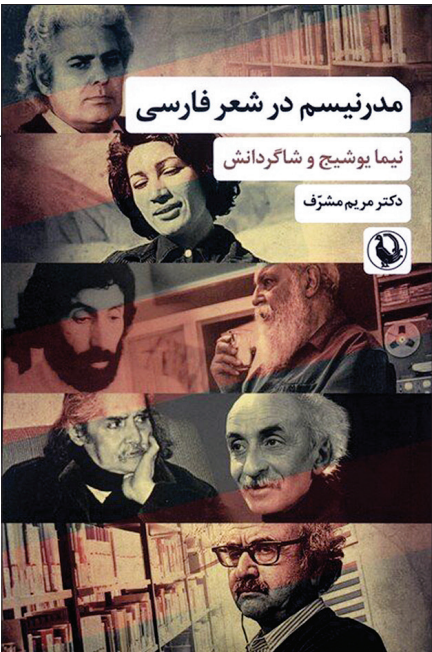
درباره یوسف، کودکی از انتفاضه اول، که ماجرای خطرناک را تجربه می‌کند و بی‌عدالتی‌های جامعه تحت ستم غزه را آشکار می‌سازد. «آپ‌شات» (۲۰۲۴) که جایزه جشنواره لوکارنو و جشنواره الگونا را کسب کرد. بکری نقش سلیمان را بازی می‌کند که همراه با شریکش لینا به یک مزرعه مهاجرت می‌کند و مزرعه پناه می‌برد تا با فقدان بزرگی کنار بیاید. «تمام آنچه از تو باقی مانده» (۲۰۲۵) به کارگردانی شرین دایس درباره سه نسل تحت اشغال فلسطین است. محمد نقش شریف سالخورده را بازی می‌کند و پسرش آدم بکری، نسخه جوان‌تر شخصیت را ایفا می‌کند.

### ارتباط با تاتار و آزادی هنرمندان

بکری همچنین ارتباط ویژه‌ای با تاتار آزادی (TFT) در جنین داشت، تئاتری که توسط جولیانو مرخامیس تأسیس شد و بکری با او دوستی نزدیکی داشت. او از هنرمندان تاتار حمایت می‌کرد و در فیلم «در هزار سکوت» (۲۰۲۵) در پروژه «وعده انقلاب» شرکت داشت. همچنین در مذاکرات برای پیوستن به کمیته هنری تولید آینده بازگشت شهدا به رام‌الله براساس آثار نویسنده و فعال فلسطینی ولید دقه بود.

### خانواده و میراث

تأثیر محمد بکری در خانواده‌اش نیز دیده می‌شود، به‌ویژه در پسرانش که چند نفر از آنها مسیر او را دنبال کرده‌اند. از ۶ پسرش آدم، صالح و زیاد بکری حرفه بازیگری را دنبال کرده و در فیلم‌های مهمی مانند «یک آخر هفته در غزه» (۲۰۲۲)، «معلم» (۲۰۲۳) و «مترجم» (۲۰۲۰) ظاهر شده‌اند. صالح درباره میراث پدرش گفت: «تجربه من از سانسور و تعقیب پدرم به فیلم انرژی داد. مردم بیشتر علاقه‌مند شدند، فیلم را ببینند اما امروز نمی‌توان هنرمندان را سانسور کرد. اینترنت هست. نمی‌توان فقط فیلم‌ها را ممنوع کرد یا جلوی دیدن مردم را گرفت. این کار ماست؛ ما کارمان را انجام می‌دهیم و اگر بخواهند سانسور کنند، برابم مهم نیست. می‌دانم کجا ایستاده‌ام، می‌دانم از کجا آمده‌ام، پس می‌دانم به کجا می‌روم. آنها هر چقدر بخواهند پارس کنند، من مبارزاتم را رها نمی‌کنم». آدم نیز درباره تأثیر پدرش گفت: «رشد در محیطی پر از هنر و صحنه فرهنگی در حال تحول عربی، تصمیم من را برای بازیگری شکل داد و باعث شد، خانه را ترک کنم و در مؤسسه تاتار و فیلم لی استراسبرگ تحصیل کنم. فشار زیادی بود که پدرت به‌عنوان یک شخصیت محترم در دنیای هنر وجود داشت، حتی بیشتر وقتی خودت وارد بازیگری می‌شوی. چگونه می‌توانستم به آن سطح برسم؟»



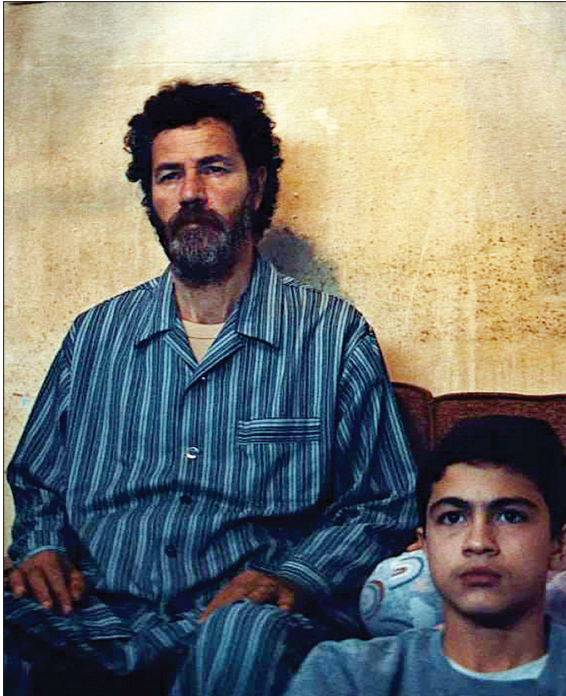
تدریس می‌کردم، متوجه خلأ نظری در این حوزه شدم؛ یعنی کتابی که تبیین کند این اندیشه‌ها چگونه شکل گرفته و از کجا آمده است و ارتباط آن را با ادبیات روشن کند، نداشتیم. کتاب‌هایی هست که مربوط به جهان غرب است و مربوط به ادبیات ما نیست، آثاری هم در ادبیات فارسی وجود دارد که مبنای نظری ندارد. من سعی کردم این خلأ را تا جایی که در توانم هست، ببینم و با توجه به آن‌چه مشاهده کرده‌ام در برطرف کردن آن بکوشم. بعد دیگر کتاب مدرنیسم در زمینهٔ صورت و شکل است. یک بعد تحلیل ادبیات مدرن، محتواست که به آن اشاره شد و بعد دیگری این است که در شکل چگونه جلوه‌گر می‌شود. در جهان مدرن، واقعیت‌ها دیگر آن حقایق ازلی و لایتغیری که در اندیشهٔ کلاسیک شاهدش هستیم، نیستند بلکه واقعیت سیال، فرار و متزلزل است و این موضوع باعث پیدایش نوعی از شکل‌ها و صورت‌های خاص در ادبیات می‌شود که بر بی‌ثباتی تکیه دارند نه بر ثبات. مثلاً فروغ فرخزاد می‌گوید: «در کوچه باد می‌آید / این ابتدای ویرانی‌ست / آن روز هم که دست‌های تو ویران شدند باد می‌آمد» این «باد» نوعی حرکت و تزلزل و ویرانی را منعکس می‌کند. درست است که حافظ می‌گوید «زلف‌آشفته و خوی کرده و خندان‌لب و مست» اما زلف آشفته با ویرانی‌ای که فروغ می‌گوید، زمین تا آسمان تفاوت دارد. ما در شعر حافظ با یک سلسله مراتب ثابت در جهان روبه‌رو هستیم و معشوق چهرهٔ ازلی دارد درحالی‌که در شعر نو این‌طور نیست و واقعیت متزلزل شده و فرار و سیال است، واقعیت شیء نیست که بتوان آن را به دام زد بلکه هم‌چون منشوری است که باید در طیف‌های گوناگون آن نگر بست. سعی کرده‌ام، سیال بودن واقعیت و ارتباط آن با فرم‌های جدید در شعر را نشان بدهم. همچنین سعی کرده‌ام از هم گسیختگی صورت‌ها را در شعر نشان دهم. همه

اسرائیل را به‌گونه‌ای تکان داد که متأسفانه امروز غزه نکرده).

با گذر زمان و موقعیت‌های شغلی، محمد احساس نیازی به جشن گرفتن دستاوردهایش نداشت بلکه با شبهات، پرسش‌ها و تضادهای درونی درباره بازی در تولیدات اسرائیلی دست‌پنجه نرم می‌کرد. تا سال ۲۰۰۶ او دریافت که دیگر نمی‌تواند در سینمای اسرائیل کار کند. بکری در این رابطه گفت: «متوجه شدم، روایت فلسطینی من هرگز توسط یک فیلمساز اسرائیلی پذیرفته نمی‌شود، مهم نیست چقدر پیشر و لیبرال باشند». خوشبختانه، در اواخر دهه ۱۹۸۰ سینمای روایت فلسطینی ظهور کرد و محمد بکری تمرکز خود را بر آن گذاشت و آن را دادن اکسیژن به زندگی‌اش توصیف کرد.

### آثار برجسته در سینمای فلسطین

علاوه بر «جنین، جنین»، آثار مهم محمد بکری عبارت‌اند از: «پناهگاه» (۱۹۸۹) به کارگردانی رشید مشراوی، که مشکلات فلسطینی‌هایی که در تل‌آویو کار می‌کنند را به تصویر می‌کشد. «داستان سه جواهر» (۱۹۹۵) نوشته و کارگردانی میشل خلیفی







دیدگاه: یادداشت اقتصادی

میل به رشد

بازار سهام هفته گذشته را چگونه آغاز کرد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بررسی عملکرد بازار سهام در هفته گذشته نشان می‌دهد که روند صعودی بورس تهران، با وجود نوسانات مقطعی و اصلاح‌های کوتاه‌مدت، همچنان از پایداری نسبی برخوردار است. شاخص کل بورس تهران برای هفتمین هفته متوالی با رشد همراه شد و در هفته گذشته بازدهی ۱/۰۳ درصدی را به ثبت رساند. تداوم این مسیر صعودی باعث شده که شاخص کل طی ۷ هفته اخیر، رشد تجمعی حدود ۳/۳ درصدی را تجربه کند؛ رکوردی که آخرین بار در ابتدای سال جاری مشاهده شده بود، زمانی که بازار سهام توانست ۷ هفته متوالی افزایش ارتفاع را در اثر فضای روانی مثبت ناشی از شروع مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا ثبت کند. نگاهی به عملکرد شاخص در بازه‌های زمانی مختلف، ابعاد پرننگ‌تری از این روند را نمایان می‌کند. بازدهی شاخص کل از ابتدای ماه جاری به ۴/۴ درصد رسیده و این‌نماگر اکنون پنجمین ماه متوالی رشد خود را تجربه می‌کند. در مقیاس سالانه نیز بازدهی شاخص کل از ابتدای سال تاکنون به حدود ۵۰ درصد رسیده است؛ رقمی که بهترین عملکرد سالانه بورس تهران در پنج سال اخیر محسوب می‌شود. این آمارها نشان می‌دهد بازار سهام، دست‌کم از منظر شاخص کل، وارد دوره‌ای متفاوت از رشد پیوسته شده است. با این حال تصویر بازار در همه نماگرهای یک دست نیست. شاخص هم‌وزن که نمای بهتری از عملکرد کلیت شرکت‌ها به‌ویژه نهادهای کوچک و متوسط ارائه می‌دهد، در هفته گذشته افت ۱/۹۳ درصدی را تجربه کرد. این درحالی است که شاخص هم‌وزن طی ۶ هفته متوالی پیش از آن در مسیر صعودی قرار داشت. هم‌زمان، شاخص کل فرابورس نیز معاملات هفته را منفی به پایان رساند و با افت ۲/۰۹ درصدی همراه شد. این واگرایی میان شاخص کل و سایر نماگرها از تغییر آرایش نقدینگی در بازار حکایت دارد؛ جایی که تمرکز سرمایه‌گذاران بیش از گذشته به سمت نهادهای بزرگ و شاخص‌ساز معطوف شده است. رفتار روزانه بازار نیز این تصویر دوگانه را تایید می‌کند. شاخص کل در سه روز از پنج روز معاملاتی هفته گذشته سبزپوش بود و تنها در روز با افت به کار خود پایان داد. نقطه عطف هفته، معاملات روز یک‌شنبه هفتم دی ماه بود؛ روزی که شاخص کل برای بیست‌ویکمین روز معاملاتی متوالی رشد کرد. چنین رکوردی آخرین بار در سال ۱۳۹۹ تجربه شده بود و از این منظر نیز بازار وارد محدوده‌های تاریخی شد. در همان روز، شاخص کل تا سطح چهار میلیون و ۱۶۰ هزار واحدی پیشروی کرد؛ سطحی که به‌عنوان قله جدید بازار ششناخته می‌شود. پس از این صعود، بازار وارد فاز اصلاحی کوتاه‌مدت شد. در معاملات روزهای دوشنبه و سه‌شنبه، شاخص کل با افت همراه شد و درنهایت، در روز چهارشنبه دماسنج تالار شیشه‌ای کانال چهار میلیون واحدی را از دست داد و تا محدوده ۳ میلیون و ۹۸۰ هزار واحدی عقب‌نشینی کرد. با این حال این عقب‌گرد پایدار نبود؛ ورود گروه جدیدی از خریداران و تقویت سمت تقاضا، بار دیگر شاخص را به مدار صعودی بازگرداند و نماگر اصلی بازار در ادامه معاملات، مجدداً به سطوح بالاتر از چهار میلیون واحد بازگشت.

# جراحی بزرگ ارزی

دولت با حذف ارز ترجیحی چه سرنوشتی برای اقتصاد ایران رقم می‌زند؟



سعید مشهوری

گروه اقتصاد

طی روزهای اخیر دو اظهارنظر مهم از سوی رئیس‌جمهوری و رئیس‌کل بانک مرکزی شنیده شد که از عزم جدی دولت برای پایان دادن به یکی از پرچالش‌ترین سیاست‌های اقتصادی سال‌های اخیر حکایت دارد؛ حذف ارز ترجیحی و حرکت به‌سوی اصلاح نظام چندنرخ‌ری ارز. سیاستی که اقتصاددانان آن را شبیه خارج کردن تومور بدخیم از بدن اقتصاد ایران می‌دانند و معتقدند بدون این جراحی، امکان بازگشت ثبات به اقتصاد وجود ندارد.

مسعود پزشکیان در نشستی با فعالان سیاسی و اجتماعی صراحتاً اعلام کرد که دولت دیگر دلار ترجیحی با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان را به کسی اختصاص نمی‌دهد. او با لحنی خاص که حقایق را افشا می‌کند، گفت: «دلار را به هر کسی می‌دهیم، می‌خورد». جمله‌ای که به‌روشنی به رانت، فساد و انحراف منابع ارزی اشاره دارد. منظور رئیس‌جمهور این است که تخصیص ارز با نرخی پایین‌تر از بازار، نهایتاً به هدف اصلی خود یعنی حمایت از مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسد بلکه در بسیاری از موارد به سودهای بادآورده برای گروهی خاص منجر می‌شود. ارز ۲۸،۵۰۰ تومانی که پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی به‌عنوان جایگزین معرفی شد عمدتاً برای واردات کالاهای اساسی، نهادهای دامی و برخی اقلام ضروری در نظر گرفته شده بود. اما تجربه نشان داد که چند نرخی بودن ارز، حتی با نیت حمایت معیشتی، بستر شکل‌گیری رانت، فساد اداری، امضای طلایی و ناکارآمدی گسترده را فراهم می‌کند. بسیاری از منتقدان تأکید دارند که اختلاف میان نرخ ترجیحی و نرخ بازار آزاد، خود به انگیزه‌ای قوی برای سوءاستفاده تبدیل می‌شود. در همین راستا عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی نیز پس از انتصاب خود، موضعی همسو با رئیس‌جمهور

انتخاذ کرد. او در جمع خبرنگاران گفت که حذف تدریجی رانت حاصل از ارز چندنرخ‌ری در دستورکار بانک مرکزی قرار دارد و تصریح کرد که همین سازوکارهای رانتی از دلایل اصلی ناترازی‌های گسترده در اقتصاد ایران است. همتی با تأکید بر اینکه معیشت مردم در اولویت قرار دارد به مردم قول داد که بازار ارز به ثبات خواهد رسید و بانک مرکزی با کنترل تورم، برخورد با بانک‌های ناتراز و مدیریت اصولی بازار پول و ارز به‌دنبال بازگرداندن آرامش به اقتصاد است. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که بازار ارز ایران در ماه‌های اخیر با بی‌ثباتی شدید مواجه بوده است. کاهش مداوم ارزش ریال، جهش نرخ دلار در بازار آزاد و افزایش انتظارات تورمی، فشار سنگینی بر معیشت خانوارها وارد کرده و در برخی شهرها به اعتراض‌های اجتماعی نیز دامن زده است. نرخ دلار در بازار آزاد به سطوحی رسیده که از منظر بسیاری از تحلیلگران، بیانگر بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی به پایداری سیاست‌های ارزی است. با این حال، بخش قابل‌توجهی از اقتصاددانان معتقدند که ریشه اصلی این بی‌ثباتی‌ها در خود سیاست چندنرخ‌ری ارز نهفته است. از نگاه آنان، اگر دولت بتواند ارز ترجیحی را حذف کرده، نظام تک‌نرخ‌شی شنوور را پیاده کند، بانک مرکزی را از مداخله‌های دستوری در واردات کنار بگذارد و بساط رانت تخصیص ارز و امضای طلایی را برچیند، نتایج قابل‌توجهی حاصل خواهد شد. به باور این گروه در چنین شرایطی قیمت کالاهای وارداتی به سطح قیمت‌های جهانی نزدیک می‌شود، رقابت افزایش می‌یابد و در نهایت ثبات نسبی در بازار ارز شکل می‌گیرد. ثباتی که می‌تواند تورم سالانه را حتی به کمتر از ۲۵ درصد برساند. اما پرسش کلیدی این است که دولت در مسیر اجرای این اصلاح بزرگ با چه موانع و مشکلاتی روبه‌روست؟ نخستین و شاید مهم‌ترین چالش، هزینه‌های اجتماعی و سیاسی، حذف ارز ترجیحی است. هرچند در تئوری، حذف ارز رانتی می‌تواند به کاهش فساد و بهبود کارایی منجر شود اما در کوتاه‌مدت ممکن است، باعث افزایش قیمت برخی

کالاهای اساسی شود؛ موضوعی که در شرایط فشار معیشتی کنونی، می‌تواند نارضایتی عمومی را تشدید کند. تجربه‌های پیشین نشان داده که عدم طراحی سازوکارهای جبرانی مؤثر مانند پرداخت یارانه مستقیم و هدفمند، می‌تواند پیامدهای اجتماعی به همراه داشته باشد. اما یکی از مهم‌ترین موانع، مقاومت ذی‌نفعان و گروه‌های منتفع از ارز ترجیحی است. شبکه‌ای از واردکنندگان، واسطه‌ها و حتی برخی نهادهای طی سال‌ها به این رانت عادت کرده‌اند و حذف آن به‌معنای از دست رفتن منافع کلان برای آنان است. این گروه‌ها، به‌صورت آشکار یا پنهان می‌توانند در برابر اصلاحات، مانع‌تراشی کنند و هزینه‌های تصمیم‌گیری را برای دولت افزایش دهند. مانع دیگر ضعف ساختاری در نظام بانکی و مالی کشور است. تازمانی که بانک‌های ناتراز، کسری بودجه مزمن دولت و وابستگی شدید به درآمدهای ناپایدار وجود دارد حتی تک نرخی کردن ارز نیز به‌تنهایی تضمین‌کننده ثبات پایدار نخواهد بود. به بیان دیگر اصلاح سیاست ارزی بدون اصلاحات هم‌زمان در حوزه مالی، بودجه‌ای و بانکی، می‌تواند ناپایدار و کوتاه‌مدت باشد. در این میان، مسئله اعتماد عمومی نیز اهمیت زیادی دارد. بازار ارز بیش از هر چیز به انتظارات و اکتش نشان می‌دهد. اگر فعالان اقتصادی و مردم به این جمع‌بندی نرسند که دولت در اجرای سیاست‌های خود مصمم، منسجم و شفاف است، حتی بهترین تصمیم‌ها نیز می‌تواند به شکست بینجامد. شفاف‌سازی، گفت‌وگوی صادقانه با مردم و ارائه نقشه راه مشخص، شرط لازم برای موفقیت این جراحی اقتصادی است. آنچه از سخنان رئیس‌جمهور و رئیس‌کل بانک مرکزی برمی‌آید، نشان‌دهنده اراده سیاسی برای پایان‌دادن به یکی از ریشه‌ای‌ترین مشکلات اقتصاد ایران است. با این حال، موفقیت این مسیر به نحوه اجرا، میزان آمادگی دولت برای پرداخت هزینه‌های کوتاه‌مدت و توان آن در جلب اعتماد عمومی بستگی دارد؛ جراحی‌ای که اگرچه دردناک است اما از نگاه بسیاری از کارشناسان، گریزی از آن وجود ندارد.

## آگهی اختصاصی تحدید حدود حوزه

### ثبتي شهرستان نور

پيرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود پلاک ۲۰۸ فرعی از ۴ – اصلی واقع در قریه جالسپو بخش ۶ حوزه ثبت نور به نام آقای / خانم کامران کیانی فرزند خسرو در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ( کاربری زارعی ) به مساحت ۸۳/۵۲۰۵۲۰ مترمربع طبق رای شماره ۲۳۱۸۹/۰۶۰۳۱۰۰۶۰۴۶۰۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ هیئت قانون تعیین تکلیف در ساعت ۹ صبح روز دو شنبه ۱۴۰۴/۱۱/۰۶ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد.

لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴و۸۶ آئین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

شناسه آگهی: ۲۰۸۳۷۷۸

علی سعادت

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

## آگهی اختصاصی تحدید حدود حوزه

### ثبتي شهرستان نور

پيرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود پلاک ۲۰۷ فرعی از ۴ – اصلی واقع در قریه جالسپو بخش ۶ حوزه ثبت نور به نام آقای / خانم مریم نبی اله فرزند محمد ابراهیم در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۲/۶۷۷۵ مترمربع طبق رای شماره ۱۵۱۲/۰۶۰۳۱۰۰۶۰۴۶۰۳۱۰۰۶۰۴۶۰۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۶ هیئت قانون تعیین تکلیف در ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۴۰۴/۱۱/۰۶ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد.

لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴و۸۶ آئین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

شناسه آگهی: ۲۰۸۳۷۶۹

علی سعادت

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

## آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی

### و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۳۱ و قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای ۱۳۹۸۱۳/۰۱۳۰۰۳۱۰۰۴۶۰۳۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ هیات قانون تعیین تکلیف..موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی...چمستان...تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای/خانم وحید دادخواه فرزند محمدحسین نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۴۰,۰۰ مترمربع به شماره پلاک ۱۳۴۸ فرعی از ۶۰ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در قریه کردآباد بخش ۱۱ خریداری شده از آقای و خانم قاسم مقصودی محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳-قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهرها منتشر ودر روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

شناسه آگهی: ۲۰۷۵۲۰۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

عین اله تیموری

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان





# باج‌دهی به مافیا

پارک خودرو در تهران به دست شبکه سازمان‌یافته افتاده است



حق‌شان با قلدرهای خیابانی وارد جنگ شوند؛ تقابلی که در بسیاری از موارد به فاجعه ختم می‌شود.

## خیابان را به شهروندان بازگردانید

امروز دیگر نمی‌توان با وعده «گزارش دهید» یا «در دست بررسی است» از کنار این معضل گذشت. فروش خیابانی حق پارک، نماد بارز شکست مدیریت شهری در صیانت از اموال عمومی است. انتظار می‌رود شهرداری تهران به جای فرافکنی، پروژه هوشمندسازی پارک حاشیه‌ای را به تمام مناطق گسترش دهد و با همکاری نیروی انتظامی و قوه قضائیه، بساط کله‌قندی‌ها و دبه‌های پلاستیکی را جمع کند. خیابان، ملک مشاع تمام کسانی است که عوارض و مالیات پرداخت می‌کنند. بازگرداندن این فضا به مردم، نیازمند اراده‌ای فراتر از صدور بخشنامه‌های اداری است؛ نیازمند حضور ضابطان در میدان و حذف واسطه‌هایی است که آسفالت شهر را ملک پدری خود می‌پندارند. اگر امروز این دمل چرکین جراحی نشود، فردا برای پارک کردن در مقابل خانه خودمان هم باید به مافیا باج بدهیم.

## جامعه

## روغن نیست!

### ماجرای کمبود روغن در بازار

مشاهدات میدانی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای و خرده‌فروشی‌های سطح شهر نشان می‌دهد، بازار روغن خوراکی در روزهای اخیر با کمبود محسوس مواجه شده است. قفسه‌های مربوط به این کالای اساسی یا کاملاً خالی‌اند یا تنها با تعداد محدودی از برندهای کمتر شناخته شده و در حجم اندک پر شده‌اند؛ وضعیتی که انتخاب را از مصرف‌کننده گرفته و او را به خرید اجباری یا صرف‌نظر از خرید سوق می‌دهد. فروشندگان می‌گویند طی هفته‌های اخیر، سهمیه جدیدی به آنها تخصیص داده نشده و شرکت‌های پخش، عرضه را متوقف یا به حداقل رسانده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد کمبود از مرحله تولید عبور کرده و اکنون در سطح توزیع و عرضه خرده‌فروشی بروز یافته است. گفت‌وگو با ویزیتورهای شرکت‌های پخش، روایت‌های متفاوتی را آشکار می‌کند. برخی از آنها از توقف تولید به دلیل کمبود مواد اولیه خبر می‌دهند و می‌گویند وعده داده شده روغن پس از تأمین مواد با قیمت‌های قبلی وارد بازار شود. در مقابل، برخی دیگر معتقدند دستور نگه‌داشت موجودی‌ها تا زمان اعلام قیمت‌های جدید صادر شده است. این دوگانگی، نشان‌دهنده نبود تصمیم شفاف در سیاست‌گذاری بازار روغن است. در همین راستا، انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران با انتشار هشدارهای اعلام کرده که چالش در تأمین روغن خام و دانه‌های روغنی، روند تولید را مختل کرده است. به گفته این انجمن، مشکلات تخصیص ارز، تأخیر در ترخیص کالا از گمرک و افزایش هزینه‌های جانبی باعث شده، بخشی از ظرفیت تولید کارخانه‌ها غیرفعال یا نیمه‌فعال شود. کارشناسان معتقدند ادامه این وضعیت می‌تواند کمبود مقطعی را به بحران قیمتی تبدیل کند. تجربه بازار کالاهای اساسی نشان می‌دهد تأخیر در تصمیم‌گیری، زمینه احتکار، کاهش عرضه و افزایش انتظارات تورمی را فراهم می‌کند؛ مسیری که در نهایت فشار آن مستقیماً به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. براساس ساختار فعلی، تنظیم بازار و تأمین کالاهای اساسی ازجمله روغن خوراکی برعهده وزارت جهاد کشاورزی است. انتظار می‌رود این وزارتخانه با تسریع در تخصیص ارز، تسهیل واردات مواد اولیه و شفاف‌سازی سیاست‌های قیمتی از تداوم کمبود جلوگیری کند. در غیاب چنین اقداماتی، بازار براساس شایعه و انتظار افزایش قیمت حرکت خواهد کرد. بازار روغن امروز، تصویری فشرده از چالش‌های ساختاری اقتصاد کالاهای اساسی است؛ چالشی که اگر به موقع مدیریت نشود، می‌تواند از قفسه‌های خالی فراتر رفته و به بحران جدیدی در سفره خانوار تبدیل شود.

کرده که در آن مافیا نه‌تنها جای پارک را می‌فروشد بلکه حق عادلانه شهروندان را نیز تضییع می‌کند. شورای شهر معتقد است، شهرداری با این بی‌اعتنایی، تهران را از هزاران میلیارد تومان درآمد پایدار محروم کرده و در عوض، جیب دلالتان خیابانی را پر کرده است. این بی‌عملی، نوک پیکان انتقاد را از افراد سودجو به سمت مدیران شهری می‌برد که با ترک فعل خود، خیابان را به صحنه تاخت‌وتاز زورگیران بدل کرده‌اند.

## وقتی جای پارک جان می‌گیرد

مسئله مافیای جای پارک تنها به ضرر مالی ختم نمی‌شود. این بی‌نظمی نهادینه شده به‌تدریج به خشونت‌های خیابانی و حتی جنایت منجر شده است. گزارش‌های حوادث در یک سال اخیر گویای واقعیت هولناکی است؛ از نزاع‌های خونین در شمال‌شهر تا ایست قلبی پیرمردی در مشهد بر اثر مشاجره با همسایه، همگی نشان‌دهنده این است که فقدان نظم شهری، مستقیماً امنیت جانی مردم را هدف گرفته است. وقتی مدیریت شهری از وظیفه اصلی خود یعنی «ساماندهی فضا» شانه خالی می‌کند، شهروندان ناچار می‌شوند خود برای احقاق

و ارباب «پارکبان‌نماها» روبه‌رو می‌شود و یا در بازگشت با خط‌وخش روی بدنه خودرو و لاستیک‌های پنجر شده جریمه می‌گردد. حقوق‌دانان معتقدند این عمل مصداق بارز «تحصیل مال از طریق نامشروع» است. امین فلاح‌نژاد، وکیل دادگستری، تأکید می‌کند که تصاحب فضای عمومی برای کسب درآمد شخصی هیچ محمل قانونی ندارد. اما پرسش اصلی اینجاست: در شهری که ادعای هوشمندسازی دارد و دوربین‌های نظارتی‌اش کوچک‌ترین تخلفات ترافیکی را ثبت می‌کنند، چگونه افرادی به‌صورت عیان و در روشنائی روز، سر گردنه خیابان نشسته و از مردم پول زور می‌گیرند؟

## از تذکرات کاغذی تا خلأهای اجرایی

جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون حمل‌ونقل شورای شهر تهران، بارها نسبت به این وضعیت هشدار داده و تعلل شهرداری را عامل اصلی ظهور این «افراد طماع» دانسته است. واقعیت تلخ این است که طی چهار سال گذشته مدیریت شهری در راه‌اندازی سامانه جامع پارک حاشیه‌ای در تمامی ۲۲ منطقه تهران ناکام مانده است. درحالی که تهران پتانسیل مدیریت بیش از ۱۵۰ هزار فضای پارک حاشیه‌ای را دارد اما در حال حاضر تنها دو منطقه (۵ و ۲۲) به صورت هوشمند مدیریت می‌شوند. این تعلل، فضایی خاکستری ایجاد

## حادثه

# تراژدی مرزبانی

درباره ستوان یکم رحیم مجیدی‌مهر، مرزبانی که در برف و بوران یخ زد

## فائزه مومنی

گروه اجتماعی



پنج روز از آن نیمروز هولناک در ارتفاعات «بانه» می‌گذرد؛ روزی که برف و بوران، نه‌فقط مسیرهای صعب‌عبور مرزی که راه بازگشت یکی از فرزندان نجیب این سرزمین را به خانه بست. ستوان یکم رحیم مجیدی‌مهر، مرزبانی که از اقلیم گرم لوداب در کهگیلویه و بویراحمد به سرمای استخوان‌سوز غرب هجرت کرده بود، حالا دیگر صرفاً یک نام در فهرست شهدای مرزبانی نیست؛ او به نمادی از یک پرسش بزرگ تبدیل شده است: در عصر حکمرانی تکنولوژی و ادعاهای تجهیزاتی، چگونه «طبیعت» همچنان می‌تواند در غیاب زیرساخت‌های حداقل، جان باتجربه‌ترین نیروهای دفاعی کشور را در سکوتی مگربار بگیرد؟

## روایت یک مأموریت ناتمام

داستان از صبح هشتم دی ماه آغاز شد. تیمی پنج‌نفره به فرماندهی ستوان مجیدی‌مهر برای پایش نوار مرزی راهی ارتفاعات بانه شدند. طبق گزارش‌های رسمی، مأموریت در شرایط مساعد جوی آغاز شد اما جغرافیای کردستان دیری نپایید که چهره خشن خود را نشان داد. حوالی ظهر، کولاک ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی منطقه را فرا گرفت. ارتفاع برف در زمانی کوتاه به بیش از یک متر رسید و مسیرهای ارتباطی مسدود شد. تیم مرزبانی که بخشی از مسیر را به دلیل صعب‌عبور بودن پیاده طی می‌کرد، در محاصره برفی سنگین قرار گرفت. فرمانده مرزبانی کردستان روایت می‌کند که مجیدی‌مهر برای پاک‌سازی مسیر و رساندن سربازان تحت امرش به نقطه‌ای امن، بیشترین مسئولیت و فشار جسمی را به جان خرید. امدادگران پس از ساعت‌ها عملیات دشوار، موفق شدند چهار نفر را نجات دهند اما پیکر بی‌جان فرمانده تیم، صبح روز نهم دی ماه پیدا شد. تصویری که از او در لحظه پیدا شدن پیکرش منتشر شد (درحالی که عکس فرزند خردسالش را در دست داشت و پشت آن نوشته بود «هوایش را داشته باشید») وجدان جمعی را تکان داد. اما فرای این درام انسانی این حادثه پرسش‌های ساختاری جدی را پیش کشیده است.

## از لوداب تا بانه؛ پارادوکس خدمت و تجهیزات

رحیم مجیدی‌مهر، متولد ۱۳۷۴، پدر دو پسر چهارساله و چهارماهه بود. او که سابقه فرماندهی بیش از سه پاسگاه مرزی را در کارنامه داشت، داوطلبانه از خوزستان به کردستان منتقل شده بود. این سوابق نشان می‌دهد که ما با یک نیروی تازه‌کار روبه‌رو نبوده‌ایم؛ او متخصص مرز بود. با این حال، تخصص یک فرد تا کجا می‌تواند، جای خالی امکانات را پر کند؟ درحالی که برخی مسئولان، ازجمله سالار ولایت‌مدار عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، مدعی هستند تجهیزات گرمایشی و لباس‌های ویژه به وفور در اختیار مرزبانان است، سردار فرج رستمی، فرمانده مرزبانی کردستان، صراحتاً به نبود



«بالگرد اختصاصی» در استان اشاره کرده است. این شکاف عمیق میان ادعاهای مرکز‌نشینان و واقعیت‌های میدانی دقیقاً همان نقطه‌ای است که جان‌هایی چون مجیدی در آن سقوط می‌کنند. وقتی استاندار کردستان از مسدود شدن ۴۰۰ روستا و قطع برق و تلفن ده‌ها منطقه در همان روز خبر می‌دهد، یعنی بحران فراتر از یک تغییر ناگهانی جوی، یک وضعیت قرمز پیش‌بینی شده بوده است.

## نقد ساختاری

واکنش‌ها به شهادت مجیدی‌مهر در روزهای اخیر دو طیف متفاوت را شامل شده است. مقامات رسمی با ستایش از روحیه جهادی، او را «شهید مدافع مرز» نامیدند؛ واژه‌ای که اگرچه حقیقت دارد اما منتقدان نگرانند که به سپهری برای

فرار از پاسخگویی تبدیل شود. محسن سلیمانی‌فاخر در یادداشتی تند در «عصر ایران» نوشت که رحیم مجیدی نه در میدان جنگ بلکه در مواجهه با «بی‌تفاوتی ساختاری» جان باخت. او به‌درستی اشاره کرد که تبدیل کردن بدن مرزبان به یک «نماد ملی» نباید رنج واقعی او را در لحظات انجماد از صحنه حذف کند.

پرسش اینجاست: در کشوری که مدعی تولید لباس‌های پیشرفته عایق و تجهیزات پایش نوین است، چرا باید خبر برسد که سرما جان یک نظامی را گرفته است؟ یادداشت‌های انتقادی در رسانه‌هایی چون اعتماد و شرق در روزهای اخیر بر این نکته پافشاری کرده‌اند که اگر تکنولوژی‌های پایش از راه دور و لباس‌های حرارتی استاندارد به حد کافی توزیع شده بود، شاید امروز فرزند چهارماهه مجیدی آغوش پدر را لمس می‌کرد. عدم تجهیز نیروها با امکاناتی که در داخل کشور تولید می‌شود، نه‌فقط یک ضعف مدیریتی بلکه نوعی نادیده گرفتن کرامت انسانی سرباز است.

## شکاف روایت‌ها و مسئولیت حاکمیتی

یکی از تلخ‌ترین بخش‌های این واقعه، تلاش برخی مسئولان برای متوجه کردن تقصیر به «ضعف فردی» یا «عدم پیش‌بینی» توسط خود تیم است. این در حالی است که وقتی فرمانده استانی از نبود بالگرد ناله می‌کند و استاندار از فلج شدن زیرساخت‌های استان می‌گوید، سخن گفتن از سهل‌انگاری فردی، نوعی فرافکنی است. واقعیت این است که در مأموریت‌های مرزی، جان انسان نباید به‌عنوان یک متغیر ارزان‌قیمت برای جبران کمبودهای لجستیکی در نظر گرفته شود. واقعه بانه آزمونی برای ارزیابی کارآمدی سیستم‌های فرماندهی است. آیا قبل از اعزام نیرو، وضعیت جوی به دقت بررسی شده بود؟ چرا با وجود نیاز مرم به بالگرد در استانی با توپوگرافی کردستان، این وسیله در لحظه حادثه در دسترس نبود؟ تکیه بر ادبیات تقدیس بدون ارائه راه‌حل فنی، خطر تکرار حوادث مشابه را در پی دارد. سرباز نباید به‌عنوان «بدن وطن» تلقی شود که می‌توان آن را فرسود و قربانی کرد سپس با واژگان شرافت پوشاند؛ سرباز انسانی است که حق دارد از بهترین تجهیزات برای زنده ماندن برخوردار باشد.



